

کارگر امروز

نشریه انتربندهای سیاسی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol 6, NO 54, June 1995

سال ششم، شماره ۵۴، تیر ۱۳۷۴

صد هزار نفر در مراسم روز کارگر در کردستان عراق شرکت کردند

صفحه ۲

اقبال مسیح فعال مبارزه علیه کارگر کان بدست آدمکشان کارفرماها کشته شد



اقبال مسیح، ۱۲ ساله، علیه بردگی قرض

روز شانزدهم آوریل قلب کوچک یکی از فعالین سرشناس و رادیکال جنبش کارگری توسط رجبار مسلسل در یکی از روستاهای پاکستان از کار افتاد. ترور رهبران پرنفوذ و رادیکال جنبش کارگری، همواره یکی از روشهای کثیف سرمایه داران برای خفه کردن صدای کسانی است که حاضر به سازش نشده اند و نترسیده اند؛ کسانی که زندگی روز مرد شان به آنها آموخته است که قدرت سرمایه داران تنها بر ناگاهی و بی تشکلی کارگر استوار است؛ قدرتی که خود حاصل کار و رنج کارگر است.

اقبال مسیح یکی از این رهبران بود! او تنها ۱۲ سال سال داشت. ترور او نمونه انزواج آمیزی از بزدلی سرمایه داران از کودکی است که با بلند کردن صدای خود علیه دنیای نکبت باری که آنها برای میلونها کودک در پاکستان ساخته اند، موقعیت آنها را به خطر انداخت. بقیه در صفحه ۵

۵۲۸ فعال کارگری در سال ۹۴ به قتل رسیدند

طی سال ۱۹۹۴، ۵۲۸ فعال جنبش کارگری در سال ۹۳، ۲۱۷ فعال جنبش کارگری کشته شدند. این رقم در سال ۹۴ به ۵۲۸ نفر افزایش یافت که ۳۰۰ نفر از آزاد بین المللی تعداد فعالین جنبش کارگری که در سال ۱۹۹۴ بقتل رسیده اند. * آنها در الجزایر بقتل رسیده اند. *

با جگیری از کارگران مهاجر قانونی شد

مجلس شورای اسلامی لایحه ای را تصویب کرد که بر اساس آن ۲۰ درصد از دستمزد کارگران خارجی تحت عنوان کمک به ایجاد اشتغال کسر میشود. کارگران خارجی در ایران محرومترین بخش کارگران هستند که حتی قانون کار ارتعابی رژیم نیز شامل حال آنها نمیگردد و مردم بیشترین استثمار قرار میگیرند.

کره جنوبی،

یورش پلیس ضد شورش به کارگران اعتصابی هیوندا

* ۲۸۰ تن از فعالین اعتصاب دستگیر شدند

بنابراین دستور مستقیم دولت کره جنوبی ۲۸۰ هزار پلیس در خیابانهای کارخانه پیش از ۷ هزار کارگری در بزرگترین کارخانه مашین سازی این کشور مستقر شده بودند تا از تظاهرات و اعتراضات خیابانی جلوگیری کنند. پلیس در جستجوی رهبران کارگری بود که هموز دستگیر نشده بودند. با وجود جریان داشت، تعداد زیادی از نیروهای این طی چند روز پس از سرکوب خشونت پلیس ۱۹ ماه می شبانه به کارخانه یورش بردند و ۲۸۰ تن از فعالین اعتراض و درگیریهای پیش از ۷ هزار کارگری هیوندا روز ۲۲ ماه منه استفاده کرد. در روزهای بعد از این حمله پلیس همچنین هزاران تن از سایر کارگران هیوندا را که به پشتیبانی از کارگران اعتصابی در اطراف کارخانه جمع شده بودند دستگیر کرد. تعدادی از کارگران کارگران هیوندا را در اعتراض به دستگیری کارگران سازمان داد. "فدراسیون اتحادیه های کارگران هیوندا" که دولت و مدیریت آنرا بر سریت نمی شناسد ۵۰ هزار کارگر کارخانه های مختلف هیوندا را زیر چتر پلیس به زد و خورد پرداختند. پلیس با پراکنده کردن کارگران از گاز اشک آور خود دارد.

صدها راهبر کارگری در بولیوی دستگیر شدند

بولیوی شاهد اعتراضات و اعتصابات وسیع ترده ای و کارگری مبنی بر راه اندازی خط مخابرات و معدان به بخش خصوصی، میگردند. انتخابات ریاست جمهوری در کارخانه صورت گرفت. کارگران تولید در کارخانه صورت داشت. این اعتصابات برابر افزایش دستمزد و شایط کار دست به گشودن یک خط تولید جدید زد بود. به سیاست های اعلام شده دولت جدید از جمله واگذاری سیستم تامین اجتماعی به بخش خصوصی برای کامپنی های دولتی، فروش کارخانجات بزرگ و سودآور کردند. بقیه در صفحه ۱۲

"بریت ماری کلدنگ" یکی از فعالین "جبهه آزادی کارگران برده":

بسیاری از بچه ها به دار قالی زنجیر میشوند تا فرار نکنند

صفحه ۵

بوریس کاگاریتسکی، عضو کمیته اجرایی حزب کار روسیه: ما در سالهای گذشته از کوتاه بینی پارلمانی رنج زیادی بر دیم

صفحه ۶

خسرو سایه عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق:
جنبش شورایی ابزار توده های وسیع مردم برای
سازمان یافتن و بدست گرفتن سرنوشت
جامعه کردستان است

صفحه ۱۱

آغاز دوران نوینی در دانمارک

صفحه ۹

و کار و فعالیت کارگران در این رابطه به بحث پرداختند.

طبق معمول هر ساله امسال نیز اداره کار

و امور اجتماعی، طی نامه‌ای به کلیه

مراکز کار اعلام کرد که باید کلیه

کارگران در مراسم دولتشی شرکت کنند:

مراسم دولتشی در آستانه شهر سنت

صورت گرفت و رحیمی استاندار کردستان

سخنران آن بود. اما امسال مراسم دولتشی

از سالهای قبل کمتر شد و با تحریم

ویسیع کارگران روپوش شد. اساس سخنان

رحیمی این بود که به کارگران اعلام کرد

که نباید توقع چیزی از دولت داشته باشد.

سقرا:

بیش از دویست نفر از کارگران و خانواده

هایشان که عمدتاً کارگران کارگاه‌های

کوچک بودند به بیرون شهر رفت و روز

کارگر را با هم جشن گرفتند و ساعتها در

سرور و شادی در کنار هم بسر برند. در

این مراسم سروی بمناسبت اول ماه مه

خوانده می‌شد و یکی از کارگران در مردم

اول مه و ضرورت برگزاری جشن در این

روز از طرف کارگران، سخنرانی می‌کند.

کرامنشاه:

در این روز در چند کارخانه و کارگاه روز

کارگر بوسیله کارگران جشن گرفته می‌شد

و تعدادی از کارگران همراه با

خانواده هایشان به طاق بستان رفت و ضمن

گرامیداشت و جشن اول ماه مه به مسایل

و مشکلات کارگران در مبارزاتشان

می‌پردازند.

کیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۹۵

توضیح اوضاع کارگران ایران
برای کارگران در کانادا

مرکز خبری کارگر امروز:

با فعالیت‌های کیته همبستگی کارگران

ایران و کانادا در لندن، اتحادیه کارگران

اتومبیل ساز شعبه ۱۵۲۰

کرد تا اعضای اتحادیه از اوضاع کارگران

ایران مطلع شوند. در این جلسه فریدون

البرز از طرف کیته همبستگی کارگران

ایران و کانادا سخنرانی کرد.

وی در این سخنرانی بی‌حقوقی کارگران

ایران را برشمرد، به تظاهرات اسلام شهر که

توسط رژیم اسلامی به خون کشیده شد

اشارة کرد و در پایان از کارگران کانادا

خواست تا در میان از کارگران ایران

سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی را

محکوم کنند.

راهپیمایی و مراسم کارگران در روز کارگر

سنندج:

صدمها نفر از کارگران کارخانه‌ها و

کارگاه‌ها در اشکال مختلف مراسم روز

کارگر را در مراکز کار و در محالهایشان

جشن گرفتند.

در کارخانه شاهو کارگران محظوظ کارخانه

را چراغانی کردند و روی پلاکارد بزرگی که

جلوی درب ورودی کارخانه نصب کردند بودند

نوشته شده بود: "روز جهانی کارگر بر

تمام کارگران جهان تبریک می‌گوییم". در

این روز هیچکس سر کار نرفته و کارخانه

را تعطیل کردند. لازم به توضیح است که

اول مه رسم اتفاقی برگشت در آمدند تا

سپس همراه با شعارهای پیون: "آقتصاد در

دست کارگران است اما حقوقش کم است"

در اخراج کارگران محکوم است" به مقصد

مجتمع ورزشی تختی برگشت در آمدند تا

خانواده هایشان در کارخانه مراسم برگزار

کردند و این روز را با رقص و پایکوبی و

خودن شیرینی جشن گرفتند و در آدامه

ساعاتی را با هم در محظوظ کارخانه

ماندند و به بحث و گفتگو حول مسائل

مختلف پرداختند.

کارگران چند شرکت و کارخانه دیگر در

سنندج همراه خانواده هایشان بمنظور

برگزاری جشن روز کارگر به خارج از شهر

رفته و با رقص و پایکوبی و سپس بحث

در مردم روز کارگر و وضعیت کنونی ایران

اعزام شده بودند از مسینهایشان پیاده

شدند و با در دست داشتن عکس‌های

برگزاری جشن روز کارگر به خارج از شهر

رفته و با رقص و پایکوبی و سپس بحث

در مردم روز کارگر و گفتگو حول مسائل

مختلف پرداختند.

کارگران وقتی به مجتمع ورزشی تختی

رسیدند باز با تعداد دیگر از نفرات

نظمی که همچون سدی در مقابل

راهپیمانی و براز اخراج دیگری کردند

و کارگران به خیابان کاشانی رفتند. هنگام

افراد حرب الله، که از طرف خانه کارگر

اعزام شده بودند از مسینهایشان پیاده

شدند و با در صف اول زادگیری از

راحتی و رضامنی که همچون سدی در مقابل

راهپیمانی و براز اخراج دیگری کردند

در جنگ از طرف خود می‌شدند.

در جنگ از طرف خود می‌شدند.

در پیاده روزها راهپیمانی را حیاتی می‌کردند.

نیروهای انتظامی از دور راهپیمانی

را زیر نظر داشتند.

حدود ۴ هزار نفر در این راهپیمانی شرکت

داشتند. کارگران کارخانه سیمان، کارگران

شهرداری، شرکت آذرسفال، دخانیات،

اتویسوارانی، تعدادی از کارگران

کوره خانه‌ای اطراف ارومیه، آجر فشاری

دانش، آب و فاضلاب، شرکت پاکدیس،

شهرک فرد آذربایجان، شرکت لاقام، کارخانه

قند ارومیه و کارخانه شیر پاستوریزه از

جمله شرکت کنندگان در راهپیمانی بودند.

سینهای اوضاع کارگران ایران

توسط چندین اتحادیه کارگری و

حزب چپ در فنلاند،

جمهوری اسلامی

محکوم شد

مرکز خبری کارگر امروز:

با فعالیت کیته همبستگی شرکت

ایران و کانادا در لندن، اتحادیه کارگران

اتومبیل ساز شعبه ۱۵۲۰

کرد تا اعضای اتحادیه از اوضاع کارگران

ایران مطلع شوند. در این جلسه فریدون

البرز از طرف کیته همبستگی کارگران

ایران و کانادا سخنرانی کرد.

وی در این سخنرانی بی‌حقوقی کارگران

ایران را برشمرد، به تظاهرات اسلام شهر که

توسط رژیم اسلامی به خون کشیده شد

اشارة کرد و در پایان از کارگران کانادا

خواست تا در میان از کارگران ایران

سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی را

محکوم کنند.

تشکلهای مستقل کارگری

نشریه کارگر امروز به منظور تبادل نظر و همفکری فعالین و دست اندر کاران جنبش کارگری

سینهای را درباره مسائل جنبش کارگری برگزار می‌کند.

موضوع اولین سینهای در تابستان ۱۹۹۵ برگزار می‌شود قشکلهای مستقل کارگری است.

جنبهای تئوریک، تاریخی و عملی این مبحث در سینهای و کمیسیونهای تخصصی آن مورد

بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

کارگر امروز از شرکت هر چه وسیع تر فعالین جنبش کارگری و رهبران و کادرهای سازمانها و

احزاب سوسیالیست در این سینهای استقبال می‌کند. ظرفیت سینهای ۸۰ نفر است و شرکت

کنندگان از میان متقداضیان و اجد شرایط، انتخاب و به سینهای دعوت می‌شوند.

علقه مندانه شرکت در سینهای برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با کارگر امروز تماس

بگیرند.

در شماره‌های آینده کارگر امروز توضیحات بیشتری درباره سینهای به اطلاع خواهد رسید.

این سینهای ویژه اروپا است. در کانادا نیز سینهای مشابه ای برگزار خواهد شد.

کارگران خواهان افزایش دستمزد هستند

سطح پایین دستمزدها، افزایش روزانه

نمایشگاه عکس از اوضاع کارگران ایران

روز اول ماه مه، کمیته همبستگی کارگری (ایران - آلمان) در شهر فرانکفورت یک نمایشگاه عکس از وضعیت طبقه کارگران ایران به نمایش گذاشت. در این نمایشگاه علاوه بر اطلاعاتی از اوضاع عمومی کارگران، گوشة هایی درباره کار کودکان، وضعیت کارگران مهاجر، زنان کارگر،

جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار

۹۵ آوریل ۱۳۹۵ مهدی اردی
در مجتمع بین المللی، در این مورد بخصوص در سازمان جهانی کار، عملی دشوار بنظر میرسید، امروز سخن از چنین دشواری کاملاً بیمورد شده است. به رغم فعالیتهای کمیته های همبستگی با کارگران ایران در اروپا، آمریکا و کانادا کمتر اتحادیه ای از اوضاع کارگران در ایران بی خبر است. نه تنها این، این فعالیت این کمیته ها کاملاً حس میکند که با کار مدام سالهای اخیر در جهت شناساندن اوضاع کارگران در ایران فضای برای محکومیت جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار آماده تر از هر زمانی است.

اکنون بنظر می رسد که حداقل اتحادیه ها در اتریش، سوئیس، کانادا، و انگلستان و ... حاضرند تا جمهوری اسلامی را بیش از این تحت فشار قرار دهند. این فرصت خوبی است تا با مراجعه مکرر و سازمانیافته به این اتحادیه ها بخصوص با آخرین اقدامات ضد کارگری جمهوری اسلامی رسیدگی به پرونده جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار را دوباره مطرح کنیم. در نتیجه همین فعالیتها بود که تماینده جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار استیضاح شد و کنفراسیون اتحادیه های آزاد (آی‌بی‌اف‌جی) با درجه بنده ایران در رده یازده کشور حضرنماک برای فعالیت کارگری آمادگی خوش برای شکایت از جمهوری اسلامی را اعلام کرد.

*

در سالهای اخیر دیگر کمتر اتحادیه کارگری کانادا، آمریکا و اروپا یافت میشود که اعمال ضد اعتصاب و ضد تشکیل جمهوری اسلامی را محکوم نکرده باشد. از ارسال نامه اعتراضی علیه اعدام کارگران در ایران گرفته تا تصویب قطعنامه برای آخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، از ارسال نامه های همبستگی با مبارزات کارگران در ایران تا فراخوان به محکومیت سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی، از کمک به آزادی زندانیان سیاسی تا تأکید بر همبستگی بین المللی، از محکوم کردن اخراجها و بیکار سازی کارگران تا محکوم نمودن کار کودکان در ایران، از درج مطالب کشتار اعتصابیون تا سرکوب وحشیانه هر جنب و جوش کارگران در ایران، از اعتراض به تماینده جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار تا محکومیت وضعیت زنان در ایران، از استیضاح تماینده‌گان جمهوری اسلامی در کنفرانس سازمان جهانی کار راجع به حقوق کارگران در ایران تا شکایت از جمهوری اسلامی در مراجع بین المللی و ... علیرغم اینها جمهوری اسلامی ممکنان به دستگیری و اعدامها در ایران ادامه میدهد.

گر تا دیروز محکومیت جمهوری اسلامی

طلاعیه تشکیل سمینار در کانادا

تشکلهای مستقل کارگری

نشریه کارگر امروز به منظور تبادل نظر و همفکری فعالین و دست اندر کاران جنبش کارگری سینیارهایی را درباره مسائل جنبش کارگری برگزار می کند. موضوع اولین سمینار که در اوریا و کانادا برگزار می شود، شکل‌های مستقل

کارگری است که شامل تم‌های زیر است:

- ۱ - جنبه‌های تاریخی، تئوریک و عملی تشکلهای مستقل کارگری
- ۲ - طبقه کارگر و احزاب سیاسی و افکاهی اجتماعی

۳ - استقلال طبقه کارگر در عرصه سیاسی
کارگر امروز از شرکت هر چه وسیعتر فعالین جنبش کارگری و رهبران و کادرهای سازمانها و احزاب سوسیالیست و درگیر در مسائل کارگری در سمینار استقبال می کند. کسانی مایل به سخنرانی هستند لازم است قبل از توافق مطالب، تزها و یا متن سخنرانی خود را ارسال دارند. این امر به بهتر برگزار شدن سمینار کمک زیادی می کند. مطابل رسیده تکثیر میشود و در اختیار همه شرکت کنندگان قرار می گیرد. در کنادا این سمینار در ماه آگوست ۱۹۹۵ برگزار میشود. از علاوه مندان به شرکت در این سمینار درخواست می شود که تا ۱۵ جولای شرکت کنندگان خوش در سمینار را به آدرس زیر اطلاع دهند. مدت سمینار، محل و تاریخ دقیق آن به اطلاع شرکت کنندگان: در سمینار خانه

نشریہ همبستگی کارگری منتشر شد

مکرر خبری کارگر امروز:
نهیمن شماره همبستگی کارگری، نشریه همبستگی کارگران ایران و سوئد منتشر شد. این شماره حاوی مطالب زیر است:
دستگیری کارگران در ایران، گزارش تغییراتیون اتحادیه های آزاد بین المللی در باره اوضاع کارگران ایران، کویت و مریستان سعودی، کار زنان در ایران، کار نودکان در ایران، قتل فعال جنبش کارگری بردهستان عراق، پکر علی، پست حاکمان در بردهستان، اوضاع کارگران افغانستانی در ایران.

بیکارسازیها و تعطیلی کارخانجات

اعلام و روشکستگی تعطیل شد و کارگران آن بیکار شدند.

* کارخانه شیشه قزوین که تا سال ۱۳۷۲ حدود ۱۷۰۰ کارگر داشت ۷۰۰ کارگر را اخراج کرد.

* بعلاوه با تصمیم آمریکا مبنی بر منع نیعیت تجاري کمبانی های آمریکائی با ایران، بسیاری از کارخانجاتی که مواد اولیه و ماشین آلات آنها ساخت آمریکا بود، از جمله کاترپیلار، در معرض تعطیلی قرار گرفته اند.

* هم اکنون بسیاری از کارخانجات و واحدهای تولیدی در ایران با خطر تعطیل تولید روپرور هستند و طبق گزارشات رسمی دولت بسیاری از کارخانجات دایر نیز زیر طرفت اسمی خود تولید میکنند.

* از جمله بعلت مشکلات مالی و عدم توان پرداخت اقساط بانکی از ابتدای طرح یک نرخی شدن ارز تاکنون یکصد واحد از ۷۴ واحد تولیدی و صنعتی استان سمنان تعطیل شده اند و تعدادی دیگر نیز در حالت نیمه تعطیل هستند.

* شرکت آذریسahan در شهر قزوین با

صد هزار نفر در مراسم روز کارگر در گردستان عراق شرکت کردند

عضو کیته مركزی حزب کمونیست کارگری عراق از سخنرانان آن بود. وی در سخنرانی پس از تجلیل از اول مه و نقش آن در همیستگی جهانی کارگران به فلاکت و محاصره اقتصادی و ایهام مطلق نسبت به آینده که کل زندگی آنها را در بر گرفته است اشاره کرد و گفت "مسئول مستقیم این وضع دولت ناسیونالیست عربی عراق، اپوزیسیون بورژوازی، احزاب ناسیونالیست کرد و نیروهای امپریالیستی هستند و تنها راه راهنمی از این جهتی که بورژوازی به جامعه عراق تعییل کرده است انقلاب کارگری است." در رابطه با اوضاع مبهم و پیر مشقت زندگی مردم در کردستان نیز طاهر حسن اظهار داشت که بساط احزاب ناسیونالیست باید از کردستان پرجیمه شود. پیروهای مسلح این احزاب باید فوراً از سرماشتر زندگی مردم دور شوند و خلع سلاح گردند. آینده سیاسی کردستان باید از طریق رفراندم و مراجعت به خود مردم روشن شود. تنها نمایندگان مردم کردستان دارای مسلاحت تضمیم گیری در مورد سرنوشت جامعه کردستان هستند."

نمایشنامه، دهها نمایشگاه عکس و کاریکاتور که منعکس کننده شرایط زندگی و مبارزه کارگران و مردم زحمتکش در کردستان بود سازماندهی شده بود. در مراسم اول ماه قطعنامه های متعددی از جمله دو قطعنامه علیه چنگ و علیه گرسنگی در مراسم قرانت شد و مورد استقبال وسیع قرار گرفت.

استقبال از اول مه آنچنان وسیع و گسترده بود که از این بروزها - ناسیونالیست کرد و از جمله دو حزب ضد کارگری اتحادیه میهنی و حزب دمکرات مجبور شدند از رسانه هایشان به تعریف و تمجید اول ماه مه پردازند، همان دو حزبی که سالهای قبل فعالیت کارگری و کمونیست را به منظور جلوگیری از بریتانی مراسم تهدید میکردند.

در شهر اربیل وقتی صفت هزاران تقریر ظاهر کنندگان به طرف محل مراسم برآمد اتفاد اتحادیه میهنی به نیروهای نظامیش آماده باش داد. مراسم شهر اربیل بدین مسلسلی که توسط کمیته بریتانی شوراها به منظور حفاظت مراسم تدارک دیده شده بود حفاظت میشد. در اربیل بیش از ۲۰ هزار نفر در مراسم شرکت کردند و طاهر حسن

مرکز خبری کارگر امروز: در مراسم و جشنها اول مه امسال که در شهرهای مختلف کردستان عراق برگزار شد صد هزار نفر شرکت کردند. این مراسم که بطور پیشار باشکوه و در ابعاد بیسابقه ای در سراسر کردستان برگزار شد توسعه کمیته بریتانی مراسم اول مه تدارک شده بود. این کمیته که به ابتکار حزب کمونیست کارگری عراق، فدراسیون کارگران کردستان، اتحادیه بیکاران، مرکز و کمیته بریتانی شوراها در کردستان، تشکل مستقل زنان، تشکل آوارگان، تشکل مستقل دانش آموزان و جوانان، مرکز ادب و هنر کارگری و گروه های تئاتر مؤده و اول مه تشکیل شده بود، جشنایی بزرگ و باشکوهی در شهرهای اربیل، سلیمانیه، رانیه، کوبیه، چم چمال، پیره مکرون، در بینیخان، دیانا و دارتو برگزار گردید. بعلاوه در هر یک از این شهرها، مراسم متعددی در مراکز و محلات کارگری برپا شد. از جمله مراسم در کارخانه های سیمان، پوشک (البسه)، نه سیچ و در پیشتر محلات کارگری برگزار شد. در جریان جشن های اول مه از جمله چندین سینما در مورد وضعیت زندگی و کار کارگران و مردم محروم، چندین فستیوال هنری، اجرای

رفع تکلیف سفیر جمهوری اسلامی در اتویش

نیتیاب انتراض اتحادیه های کارگری
تریش به دستگیری کارگران در ایران،
سفیر جمهوری اسلامی طی نامه
س، به این اتحادیه ها دستگیری کارگران
رمان را رد کرده است. این نامه را که
نظر میرسد سفیر ایران از روی رفع
الکایت برای اتحادیه های اتریش ارسال
ده است را در زیر می خوانید.

قای سالموتر محترم!
سارت جمهوری اسلامی ایران لازم
مورد نامه مورخ ۱۶ مارس
س و نیز ادعاها بیان مبنی بر به
تکیگیری چنین فعل اتحادیه ای د
راز، و در شمال را رد کرده و
به این نکته جلب می کند که
لاعاتی شما در این رابطه عناصر
بی کاراکتری هستند که هدفی ج
طه خوب بین مردم و دولتها ندار

اسپا فسودهای کادکرامروز

کیته همیستگی کارگران ایران - کنادا، کیته کارگری ایران - آمریکا، مرکز مطالعات "کارگری سوسیالیست" استکلهلم، حزب کمونیست کارگری ایران، کیته بین المللی همیستگی با کارگران ایران، نشیه انتراپریزنال، نشیه کارگر کمونیست، نشیه کرکار نه مژ (کارگر امروز به زبان کردی) عراق، شریه عامل الیوم (کارگر امروز به زبان عربی) عراق، شریه بوبیشه و - عراق، حزب کمونیست کارگری عراق، کیته همیستگی با چنیش کارگری عراق، کیته همیستگی کارگران ایران - انگلستان، کیته همیستگی با کارگران ایران - فرانسه، کیته همیستگی کارگران ایران و اتریش، کیته همیستگی کارگران ایران و سوئد، خانه حزب (کمونیست کارگری ایران) در استکلهلم، کیته دفاع از حقوق زنان عراق در ترکیه، خانه حزب (کمونیست کارگری ایران) در کابل - آلمان، فدراسیون مساری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی - واحد آلمان.

افزاد: ابریخ آذربین، مهدی آردی، شیدا، آوانسیان، سیما اشتبان، افروز، فریده، آرمانت، آذر، محمد آشتگران، بهار آزاده، صابر آزاد،
نریا آرشی، محمود احمدی، ریوار احمد، محسن ابراهیمی، عامر احمد، زهرا آسدي، مرتضی افشاری، هادی اسعادیان،
سیمین ارشدی، حسین احمدی نیا، پریشک احمد، ناصر اصیلی، شخون احمد، فریدون البرز، اکبر، جلال احمد بویس،
صالح اپریان دوست، زری اصلی، سیاوش الموقت، شاهنور امیری، طلیل ارشدی، فریبا احمدی نیا، نعیتمان احمد، مهرداد
امیدی، سعید احمد، رویا امیری، شیرین ارجمند، معید اخوان، تادر اتفاقی، محسن الوند، روزگار احمد، سارا اقبالی،
روزبه اشترانی، مجید الوزن، مسعود ارزشک، فاطمه بهرامی، فراماده بشارات، نوری پیشیر، حمید بشارت، تادر
پکاش، حجت پریزگار، نسرین بشارات، سوسن بهاران، فراماده پریزگار، سوزن پیشوایی، فراماده پیشوایی، میترا پیشوایی،
پهلوان پارخایانی، میترا رومدان، فلورا پیمان، عیند پرتو، لیدا پیشوایی، امیر پیام، لیلا پاک نواد، عیند
پیمان، فرید پرتوی، رضا پایا، زبیا پریانی، حیدر تقابانی، پریون قلچنی، نسرین جالان، سعد ازان، حمال، صدیق
جهانی، غلام جمالی، ج. حلقه، بهرام چشمیدی، کیوان جاوید، علی جواهی، مرده خواهی، میزرا مازلنج، منصور
حکمت، سیامک حمیدی، سروین حسین، امیر حسن حسین، جمال حاج رسنی، رعنان حسن حسین زاده، شیرزاد حکمت یار،
آسو حادمینی، خالد حاج محمدی، شمس الدین حکیمی، بهرام چیدری، ماجد حکمت، ظاهر حسن، معید حسینی، حبیب
خالدی، حمید خزان، علی خودری، شهلا داشتن، فرید دروشان، لیلا داش، امیر رحمانی،
ایت رزمیجو، خالد رحائی، چعفر رسا، رضا رواتری، سلام رسول، یوسف رسولی، مسعود رازی، ج - رینوار، بهرام
رحمانی، کیشی زمانی، لاله زندی، سیامک ستده، کیورث سجری، کمال سلطانیان، ماجد معید، نسمی سیار، سوسن،
نقی سلطانیان، حسام، امیر سیامک، مصطفی سیمانی، امین من، علی سکالی، متوجه سلطانیان، پیغمبار سامی،
جاوید لامی، خسرو ساید، فروغ سیمایی، صالح سارادی، بهرام سروش، رuhan شمهی، شمس واجله‌لشی، رضا
شهرستانی، مصلح شیخ الاسلامی، بهمن شفیق، رستگار شیانی، عمار شفیق، خنجر شیخ، سهل‌شرفی، شیری شاهی،
چنور، ش، علی شادی، ابیوکر شریف زاده، ناصر شیشه گر، فاتح شیخ الاسلامی، ه- صبوری، مصطفی صابر، حسن
صالحی، خسرو صدقی پور، هشام منیعی، سعادت مارمی، مرضیه سفری، ابراهیم صادق، جهان جابری، عبدالله مید
مرادی، جمال طبری، مهدی طبری، ریوار عارف، نازار علی، علی عبدالی، پیروز غزیزان، قوران، ع، یاسین علی،
غفار غلام وسی، حصل فدا، فدان، فدا، ع، هـ، آل داود،

دفتر مشاوره "قانون کار" برای کارگران مهاجر و پناهندۀ

اعتراض عمومی در آرژانتین

هزاران کارگر در بخش دولتی و خصوصی در یک اعتراض عمومی که توسط چنین اتحادیه‌فراخوان داده شده بود روز پیش و یکم آوریل حمل نقل، مدارس، و بنگاههای خصوصی را در بسیاری از شهرهای آرژانتین متوقف کردند و طی تجمعات و راهپیمایی های وسیع سیاستهای دولت را مورد انتقاد قرار دادند. اعتراض اساساً با خاطر تیراندازی پلیس به یک کارگر ساختمانی در شهر "اوشوایا" در ماه آوریل فراخوان داده شد بود اما علاوه بر اعتراض ویسترنی بر علیه سیاستهای اقتصادی دولت تبدیل شد. کارگران دولت را با خاطر سیاستهایش که منجر به گسترش وسیع بیکاری شده است مورد انتقاد قرار دادند. از جمله اینها نفر از یک کاخانه تلویزیون سازی اخراج شدند. نرخ بیکاری در آرژانتین اکتوبر ۱۲ در صد بالغ می‌شود. پژوهش‌کارلوس گفت توقف کار که درست سه هفته قبل از انتخابات ریاست جمهوری انجام می‌شود انگیزه های سیاسی دارد. اتحادیه های کارگری خواهان محکم‌عاملین تیراندازی به کارگران هستند.

تحريم اضافه کاری در سوئیس

کارگران مثال و مهندسی سوئیس به تحريم سه هفته ای اضافه کاری پایان دادند. کارگران که خواهان ۴ درصد اضافه دستمزد بودند با دریافت ۲/۷ درصد به تحريم خود پایان دادند.

منوعیت اضافه کاری که شامل ۲۷۰ هزار کارگر می‌شد چند صنعت بزرگ صادراتی سوئیس را با مشکل جدی مواجه ساخت. تهدید گسترش انتساب این نگرانی را در محالف دولتی و کارفرمایان ایجاد کرده بود که به اقتصاد شکننده سوئیس لطمہ بزنند. تحريم اضافه کاری زمانی به جریان افتاد که سیاری از گروههای صنعتی بزرگ از جمله ماشین سازی "لوو" و کامپیون سازی "اسکانایا" تولید خود را به منظور جواب گردی به تقاضا در بازارهای صادراتی به حداقل افزایش داده بودند و بخش مهمی از آن از طریق اضافه کاری تأمین می‌شد. سخنگوی لوو گفت تولیداتش در سوئیس در طول اعتراض ۲۰ درصد افت کرده است.*

افزایش بیکاری در راپن

بنابراین حقیقتی که توسط وزارت کار راپن منتشر شده تعداد کمپانیهایی که در نظر دارند نیروی کار خود را کاهش دهند در حال افزایش است. از هزار کمپانی که مورد نظر خواهی قرار گرفتند ۵۱ درصد بتاریک تعدادی را اخراج کرده اند یا قرار است اخراج کنند. به این ترتیب نرخ بیکاری که فعلایا کارگران حمل و نقل و معلمان و کارمندان پانکها برخودار گردید.

از جمله روز ۱۵ آوریل و بدنبال تقویت یعنی در مقابل دلار، صنایع فلز "سومیتو مو" سومین تولید کننده فولاد راپن اعلام داشت که ۴۰٪ نفر را اخراج خواهد کرد که ۱۵٪ نفر آنها طی دو سال آتی بیکار می‌شوند.*

اخراج ۱۹ هزار نفر از کارخانه پنتر

رئیس کمپانی پنتر آلمان اعلام کرد که این کمپانی در نظر دارد ۱۹ هزار نفر دیگر را از کار بیکار کند. او دلیل این امر را افزایش ارزش مارک و افزایش هزینه های پرداختی کمپانی اعلام کرد. او گفت نتیجه گزین ناپذیر این اوضاع انتقال کارخانه های تولیدی به خارج آلمان است. کمپانی پنتر طی سه سال ۷۰ هزار نفر را بیکار کرده است.

اعتراض معدنجیان روسیه

معدنجیان جزیره ساخالین در شرق روسیه روز هشت آوریل در اعتراض به پرداخت دستمزدها دست به یک اعتراض نشسته دست زدند. کارگران زغال در همسایگی آنها در "پرومورنسکی کرای" نیز با همین خواست به اعتراضات مقاطع و اعتراض خدا دست زدند.

که اساس را بر قوانین کار و قراردادهای جمعی گذاشته نباید قابل قبول باشد و باید اقدامی بر علیه این وضعیت کرد. با توجه به توسط جمال طبری ایجاد شده است دفتر که به پناهندگان و مهاجرین غیر مهاجرین در بازار کار، عدم آشناش آنها با قوانین کار در جامعه دانمارک است. در زیر بیانیه ما اقدام به تشکیل دفتر مشاوره "قانون کار" برای کارگران مهاجر و پناهندۀ نموده اینم تا در این زمینه به آنها کمک کنیم.

فعالیت های این دفتر بین قرار است :

- از جمله :
- (الف) دفتر مشاوره برای کسانی که احتیاج به کمک در رابطه:
- ۱ - قوانین استخدامی
- ۲ - دستمزدها
- ۳ - شرایط بازآموزی
- ۴ - امنیت محیط کار
- ۵ - ساعات کار
- ۶ - عضویت در اتحادیه کارگری و مزایای آن
- ۷ - وغیره

(ب) این دفتر فعالیتهای خود را از طریق پرگزاری جلسات آموزشی، اطلاعاتی و همچنین ترجمه و چاپ جزوای مختلف در رابطه با قوانین کار به پیش می برد.

- دفتر آماده همکاری با اکثر اتحادیه های کارگری در این زمینه ها است.

اعتراض موفق کارگران معادن استرالیا

از معدنجیان همچنان وسعت گرفت و اعتراض میرفت که به یک اعتراض سراسری معدنجیان دستمزد و مزایا دست به اعتراض زدند. این اعتراض که ده روز بالاخره مدیریت معدن و نمایندگان اتحادیه معدنجیان بر سر افزایش دستمزد کارگران به توافق رسیدند. بدنبال این توافق روز ۲۲ آوریل بیش از ۲ هزار کارگر این معدن به پایان اعتراض خود را می‌خورد که قراردادهای خود را فسخ کنند.

اعتراض عمومی علیه افزایش مالیات در اروگوئه

کمپانی برای مقابله با اعتراض، معدن را بست و از روز ۱۲ مه ۲۵۰۰ کارگر اعتراضی را از کار بکنار کرد، از کارگران به دادگاه شکایت کرد و خواستار پرداخت خسارتهای وارد به معدن شد. با این حال احتلال جدی مواجه ساخت و معدان فلات استرالیا را می‌خورد که قراردادهای خود را فسخ کنند.

کمپانی برای مقابله با اعتراض، معدن را بست و از روز ۱۲ مه ۲۵۰۰ کارگر اعتراضی را از کار بکنار کرد، از کارگران به دادگاه شکایت کرد و خواستار پرداخت خسارتهای وارد به معدن شد. با این حال احتلال جدی مواجه ساخت و معدان فلات استرالیا را می‌خورد که قراردادهای خود را فسخ کنند.

صدها رهبر کارگری در بولیوی دستگیر شدند

به ادرس سازمان مورد نظرتان ارسال کردیم،

۵ برابر دآمد بالغ "۱۰۰ مارک" را می‌توانید از طریق پست گیر ارسال کنید.

کمک های مالی

سیامک شعاعی ۱۰۰ کرون، احمد هدایت ۱۰۰ کرون، شیرین و غفار غلام وسی ۳۰۰ کرون، حلق ایامارک، تعهد مالی خود ۱۰۰ مارک، نسان ۷ مارک، محمد ۱۰۰ مارک، کاوه ابتهاج ۴۰ دلار، هرمز پویا ۴۰ دلار، حماد جلالی ۴۰ دلار، بابک فراهانی ۵۰ دلار، امیر ساعد ۵۰ دلار، الف - کوشای ۶۰ دلار، خسرو پاکروان ۱۰۰ دلار، ناصر مودت ۳۰۰ دلار، فواد سلطانزاده ۵۰۰ دلار.

* دوست عزیز توفیق، نامه ارسالی شما را به ادرس سازمان مورد نظرتان ارسال کردیم،

* رفیق جاوید سلامی، تعهد مالی خود برای امپانسواری را می‌توانید از طریق پست گیر ارسال کنید.

نامه های رسیده

تظاهرات ۵۰ هزار نفری کارگران آفریقای جنوبی

بیش از ۵۰ هزار نفر از کارگران روز ۶ ماه مه در خیابانهای ژوهانسبورگ دست به راهپیمایی زدند. این تظاهرات بزرگترین نمایش قدرت توسط اتحادیه های کارگری بعد از انتخابات سال گذشته بود. این تظاهرات اخبار یک کمپین دو هفته ای توسط سفارسیون اصلی اتحادیه های آفریقای جنوبی و در راس آنها کوساتو برای قانون کار جدید و در عین حال مخالفت با دولت برای خصوصی کردن موسسات دولتی بود.

تصمیم به برگزاری یک کمپین توده ای کارگری توسط کمیته اجرائی کوساتو (کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی) گرفته شد. آنکه سام شلروا دیر کل کوساتو گفت "حرکت توده ای هیچگاه در گذشته به ما لطفه نزد است و در آینده هم نخواهد زد" قرار است روز ۱۹ ژوئن نیز اعتراض ملی بر کارگران است.

یک کمپانی آمریکایی علیه اتحادیه های کارگری سوئد

اختلاف بین "توبز آرام" فروشنده آمریکانی اسباب بازی و جنبش قوی اتحادیه ای در سوئد به اعتراض در فروشگاههای این شرک در سوئد انجامیده است. هر سه فروشگاههای این شرک در سوئد که در سوئد که سال گذشته افتتاح شد در اعتراض به امتیاع مبیرون. این اعتراض در اتفاق قرارداد جمعی در تمام مقاماتی در این زمینه میزند.

کمپانی از اتفاق در بریتانیا که مستویت مدیرعامل کمپانی در بریتانیا دارد شده است. بر اساس پیشنهاد کمپانی کارگران موظف به امضای کتابچه ای هستند که حاوی حقوق و وظایف آنهاست، اما خود حق ندارند نسخه ای از آن را از اختیار داشته باشند.

دفتر چه مزبور از جمله حاوی این نکات است: (۱) کارگران حق آزادن کتاب به محل کار را ندارند، (۲) کارگران حق نوشتن مقاله و ارسال آن به نشریات اتحادیه ای و یا روزنامه ها را ندارند، (۳) کارگران حق مصالحه علیه از کارگران از نظر ما اشکالی ندارد اما اینکه اتحادیه بخواهد تنها نماینده آنها در مقابل شرکت پاشند قابل قبول نیست. او خواستار نوعی سازش است اما قرارداد کامل جمعی را رد می‌کند.

کارگران از کارگران از این اعتراض به اینکه این شرک را بطور کامل بایکوت کند و از خرید از آن خودداری نمایند. تاکنون بخشی از کارگران از این اعتراض کارگران معدن این کارگران را می‌خواهند تهدید کردن که اعتراض را سراسر خواهند کرد. در حیث این اعتراض را می‌خواهند که این شرک را بخواهد تنها نماینده آنها در این روزنامه ها را رسانه های گروهی را ندارند، "توبز آرام" کریج تهنا ۱۱۰ کارگر دارد. اما انعکاس اعتراض آن وسیع است.

کمپانی از کارگران از این اعتراض حمایت کرد. اند. از جمله کارگران حمل و نقل از کارگران بانک از رسیدگی به حسابهای کمپانی سیاری زده اند و کارگران روزنامه ها نیز از چاپ تبلیغات این کمپانی امتناع کردند. آنکه های فروش زنجره ای اسباب بازی در سوئد است با موضع محکم اتحادیه های این کشور که درصد کارگران اعضاء اتحادیه هستند به مقابله برخاسته است.

نشریات و سیده

۵ - قند پارسی، نشریه فکاهی و طنز، شماره ۶ - مهرگان، نشریه فرهنگی، سیاست، شماره ۴ - نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره های ۴۰ تا ۴۵ خلخال، ارگان سازمان جویگاهی فدائی خلق ایران، شماره های ۱۱۹ و ۱۲۰ - دفترهای کارگری سوسیالیستی، نشریه کارگری سوسیالیست های انقلابی ایران، شماره ۲۷ - راه آینده، شماره ۶ و ۷ - گاهنامه خبری، کمیته ضد اختناق و سانسور در ایران، شماره ۲ - جهان امروز، شماره ۸ - هایویشن کریکاری، نشریه فکاهی و طنز، شماره ۵ - اسلامی مبتنی، کمیته ضد اختناق و شماره ۶ - کارگران عراق، شماره های ۲۱۸ و ۲۲۰ - دموکرات کردستان ایران، شماره های ۴۵ و ۴۶ - بسوی اتحاد، نشریه گروه بسوی اتحاد، شماره ۸ - اطلاعیه خبری کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین

اقبال مسیح فعال مبارزه علیه کارگو دکان
بدست آدمکشان کارفرمایها کشته شد

"بریت ماری کلدنگ" یکی از فعالیین "جبهه آزادی کارگران برده":

بسیاری از بچه ها به دار قالی زنجیر می شوند تا فرار نکنند

بقيه از صفحه اول
اقبال مسیح کارگر صنایع قالیبافی پاکستان و یکی از فعالین جنبش "متنوعیت کار کودکان" و تبردگی قرض در پاکستان بود. او در حالیکه سوار بر دوچرخه، دو تن از عموزاده های خود را نیز بر ترک داشت و در روستای زادگاهش گشت می زد مورد اصابت رگبار گلوله قرار گرفت و در دم جان سپرد. اقبال مانند صدها هزار کودک دیگر پاکستانی از سن ۵-۴ سالگی زندگی خود را در دخمه های نیمه تاریک و مخوف قالیبافی گذرانیده بود. او هیچگاه فرصتی برای تجربه کردن دوران کودکی نیافت و در حیرت از دنیا وارونه آدمهای بزرگ که بر فلاکت، درمندی و آزار اکثریت انسانها بنا شده است از جهان رفت. در مجموع ۲۰ میلیون کودک در پاکستان به کار مشغولند که از این تعداد ۶ میلیون زیر ۱۴ سال هستند. بخش قابل ملاحظه ای از این کودکان "بردگان قرض" هستند. آنها به روشهای گوناگون به کارفرما یا دلالهایی که واسطه همین کار هستند واگذار شده یا فروخته می شوند. خانواده های فقیر در مقابل گرفتن مقدار ناچیزی پول به صورت ول یا قرض، قرارداد کار کودکان خود را به عوض بازیزداخت قرض دریافت شده، با کارفرماها یا دلالان می بندند. اکثر این کودکان در قبال باز پرداخت این پول تمامی کودکی خود را در شرایطی بسیار مخوف و طاقت فرسا می گذرانند.

کنک، اذیت و شکنجه، تجاوز و آزار جنسی، قفل کردن پای کودک با زنجیر به دار قالی (حتی در موقع خواب) و محرومیت از غذا، بهداشت، نور، تحرک، و امنیت روحی بخشی از شرایط کار کودکان قالیباف در پاکستان است که اقبال در سخنرانیها و مصاحبه های خود با روزنامه ها و در یک فیلم

برده" (بی.ال.ال.اف) است که برای لغو کار کودکان و مدارس شهر لین شوپینگ در سوند و سازمانده حرکت و از جمله پاکستان است.
میکند. وی بخشی از زندگی خود را در آفریقا و از اوطنلیانه مدت زیادی در پاکستان و در رابطه با تشکل "کلدنگ" بود، سوسن بهنام، از همکاران کارگر امروز، نیبد.

شما یکی از فعالین بی‌ال‌ال‌اف هستید و اقبال متسبح را از نزدیک می‌شناختید.

بله. اقبال کار را از سین بیار پائین،
از چهار سالگی آغاز کرد. پدرش از
کارفرمای یک کارخانه فرشبافی در
منطقه شان ۵۰۰ روپیه (برابر با ۱۲۵
کرون سوئد) پول قرض می کند. و
اقبال در مقابل مجبور به کار در
کارخانه فرشبافی می شود. خانواده
اقبال از اشار بسیار محروم در
پاکستان هستند. آنها در محله ای
زندگی می کردند که در آن مدرسه
رفتن بچه ها چندان مرسوم نیست.
البته اگر اقبال کار هم نمی کرد امکان
رفتن به مدرسه را نداشت. چنین
امکانی در واقع برای لایه های پانیزی
جامعه پاکستان وجود ندارد.

او به همین ترتیب کار را شروع کرد و
شاید سالگی به آن ادامه داد. سال
۹۲ در پاکستان قانونی به تصویب
رسید که در آن "کار بردگی" غیر
قانونی اعلام شد. این قانون به زبان
انگلیسی نوشته میشد و بدین ترتیب
بخش وسیعی از مردم از آن بی اطلاع
میماند. اما "بی‌الالاف" این قانون
را به زبان اردو ترجمه و در سراسر
کشور پخش میکند. اقبال یکی از
کسانی بود که به این ترتیب (اقبال
سجاد خواندن و نوشتن نداشت و خبر را
از مردم میشنود) در جریان قرار می
گیرد که "کار بردگی" غیر قانونی شده
است. او این موضوع را به همراه چند
تن دیگر از بجهه های کارگاه فرشبافی
با کارفرما مطرح میکند و از او می
پرسد که آیا او از تصویب چنین
قانونی اطلاع داشته است. صاحب کار
در جواب میگوید که اینها شایعاتی
میباشد است که بر سر زبانها افتاده و

آخرین دنیادار با اقبال مسیح در مراسم خاکسیاری

آزاد شده یا بجهه هایی است که امکان و خطر بازگشت آنان به کار برده گی وجوده دارد، است. هم اکنون یازده هزار کودک پاکستانی در این مدارس تحصیل می کنند. اکثر این کودکان در واقع کودکان کارگر "آزاد" هستند. آغاز مدرسه برای این بجهه ها یک گام مهم در بازسازی زندگی شان به شمار می آید. بیشتر بجهه های این مدارس کودکان کارگر در بخش آجر پزی و کوره پیزانه هستند. علت آنهم این است که "بی.ال.ال.اف" از سال تاسیس خود در ۱۹۶۷ تا سال ۱۹۸۸ اساس فعالیت خود را برای آزاد سازی کودکان بخش آجر پزی متصرکر کرده بود. ولی از آن پس فعالیتهای خود را وسعت داد و بقیه در صفحه ۱۵

خواستند که کمی از وضعیت خودش در کارگاه قالیبافی تعریف کند. او با جسارت جلو آمد، میکروفن را گرفت و از شرایط تکان دهنده کار خود و سایر کودکان سخن گفت. بدین ترتیب او اولین قدم را برای آزادی خود از "برده گی قرض" برداشت. او کار را رها کرد و بعد از مدتی به کمک یکی از وکلای "بی.ال.ال.اف" و تعدادی دیگری از بجهه ها به طور رسمی آزادی خود را بدست آوردند. بعد از آن وی مدرسه را شروع کرد.

با چه امکاناتی؟

یکی از فعالیتهای اساسی "بی.ال.ال.اف" ایجاد مدارس مخصوص برای برده های پس از این جریان یک روز اقبال با دوستانش به جلسه ای که در یکی از مناطق حاشیه شهر لاہور به نام "چیک یورا" از طرف "بی.ال.ال.اف" برگزار شده بود می رود. این جلسه ای اطلاعاتی در مورد وضعیت کار و زندگی کودکان برده بود در اینگونه جلسات نعلیین "بی.ال.ال.اف" بجهه ها را از نتوانی و امکانات موجود برای آزادی شان مطلع می سازند.

من هم در آن موقع قرار بود در جلسه یکیگری شرکت کنم و تصادفا سر راهم با این جلسه رفتم. اقبال و دوستانش هم در آنجا حضور داشتند. در آن جلسه وی خجالتشی و کم رو به نظر می بینید. با اینحال همان موقع شخصیت یش رو او جلب نظر کرد. جمع از او

یک عامل دیگر این بود که چون ما مخالف این سیاست آشنا بودیم، نیروهای سیاسی دیگر علاقمند بودند ما را ایزوله کنند و به حاشیه برانند، چونکه خیلی از آنها، حتی از اپوزیسیون، پس از شکست ۹۳ منطق آشنا را پذیرفتند.

شا خلاف جریان عمل می کرد؟

بله کاملاً خلاف جریان؛ هم درون اتحادیه ها و هم بطور کلی. برای مثال ما در انتخابات دو ما شرکت نکردیم. ما این انتخابات را که بنظر ما کاملاً بی اعتبار بود بایکوت کردیم، و امیدوار بودیم سایر نیروها و گروههای اپوزیسیون در این سیاست بما بیپومنند. در ضمن، وقتی اپوزیسیون بطور واقعی در انتخابات شرکت نکرد، مانند انتخابات مسکو، بایکوت موفقیت آمیز بود. در انتخابات مسکو برای شورای جدید، که قرار بود جای شورای منتخب شده قبیم بنشیند، هیچیک از نیروهای اپوزیسیون شرکت نکردند، چرا که از نظر اپوزیسیون کاملاً بی اعتبار بود. در نتیجه، ۳۰ تا از ۲۵ کرسیهای موجود خالی ماندند.

پس بایکوت خیلی موثری بود...

از این نظر بایکوت خیلی موفقی بود. در مسکو ما بایکوت فعل داشتیم، بدین معنی که مردم رفته به مرکز رای گیری و همه اسمام روی برگ های رای گیری را خط زدند. حسن بایکوت فعل این بود که نمی توانستند آنرا بی اعتبار اعلام کنند.

بنابراین، وقتیکه یک توافق واقعی و یک اراده واقعی برای بایکوت وجود داشت، بایکوت موفق میشد. اما مشکل این بود که اکثر رهبران اپوزیسیون شکست (سال ۹۳) را پذیرفتند و به آن ابدیت بخشیدند. بهمین خاطر در سطح سراسری از سیاست بایکوت حمایت نکردند. وقتی که ما تنها نیروی قابل توجهی بودیم که مبلغ سیاست بایکوت بود، ایزوله و حاشیه ای شدیم.

آن برای ما وضعیت دارد تغییر می کند. همچنین اکنون حزب کمونیست سیاستهایش را بطور قابل ملاحظه ای تغییر داده و به ما نزدیک تر است. این سما امکان میدهد که با آنها همکاری کنیم. در عین حال ما هم مواضعمان را تغییر داده ایم، نه باین خاطر که آنچه را که قبل انجام می دادیم نه کنیم، بلکه باین دلیل که وضعیت تغییر کرده است. الان ما می گوییم که خواهان شرکت در پروسه انتخاباتی هستیم: دلیلش این نیست که سیستم برای ما قابل پذیرش شده است، بلکه اکنون از نظر تکنیکی امکاناتی، گشایشاتی بوجود آمده است. برای مثال با توجه به نارضایتی شدیدی که نسبت به رژیم وجود دارد پیروزی در انتخابات امکان پذیر است. از این نظر، در حالیکه ما در سال ۹۳ می گفتیم که شرکت در انتخابات موضوعیتی ندارد، چرا که دو ما اختیاراتی ندارد، و همچنین مردم روحیه سرخورده ای داشتند، امروز ما می گوییم که برای چپ این امکان وجود دارد که در انتخابات پیروز شود، و یا حداقل در آن بسیار موفق شود. بنابراین ما می خواهیم جزئی از پروسه

این دولت است که باید تصمیم بگیرد قانون را به اجرا در بیاورد. ولی دولت این کار را نمی کند. در نتیجه همین الان حدود شش ماه است که دستمزدها بتناسب نرخ تورم افزایش پیدا نکرده اند.

بنابراین، مشکل موجود ترکیبی است از عدم پرداخت بموقع دستمزدها و عدم افزایش دستمزدها بتناسب تورم. و این شیوه آنها برای مبارزه با تورم است! برای همین، الان جوکی در رویه داریم: می دانید که استالین می گفت "وقتی یک آدم هست، یک مشکل هم هست. وقتی آدمی نیست مشکلی هم نیست!" و این توجیهشان برای کشتن آدمها بود. الان جوکی هست که وقتی پول هست، تورم هست. وقتی پول نیست، تورم هم نیست!

در سال ۹۲ سطح زندگی مردم شدیداً سقوط کرد. در آن سال دستمزد متوسط حدود ۲۰ دلار در ماه بود. سال ۹۳ دستمزد متوسط به ۱۰۰ دلار در ماه افزایش پیدا کرد. با این همه هنوز بسیار پائین تر از سطح دستمزدها در دوره اتحاد شوروی بود. ولی در مقایسه با

سال پیش از آن پنج برابر بیشتر بود. این در اثر مرتبط کردن سطح دستمزدها به نرخ تورم و مبارزات مردم بود. در نیمه اول سال ۹۴ دستمزدهای انسنی بازهم افزایش پیدا کردند و رسیدند به چیزی حدود ۱۱۱ دلار در ماه. اما از ماه مه سال گذشته دیواره بطور سیماتیک کاهش یافتدند و در حال حاضر در سطح ۸۰ دلار در ماه هستند. رقم ۱۰۰ یا ۱۱۱ دلار ماه خودش خیلی کم است، اما مردم الان شاهد کاهش دستمزدها برای دومین بار در عرض سه سال گذشته هستند. و این مردم را بسیار ناراحت و خشمگین می کند.

عکس العمل در برابر این وضعیت چه بوده است؟ چون بعد از کودتا برای دوره ای داشت، وی خیلی بیشتر از سال ۹۴ است. بیشتر باشد، اوضاع اقتصادی بهتر می شود. چیزها کاملاً بر عکس است.

بنظر من این درس است که جامعه از

این سال ثبات گرفت. امسال تعداد

اعتصابات بطور سیماتیک افزایش

یافتند. این بیشتر شد، اوضاع اقتصادی

و خیم تر شد! این بدین معنی است که

یکی از علل و خامت اقتصادی خود

دولت است. هر چه مخالفت با رژیم

بیشتر باشد، اوضاع اقتصادی بهتر

می شود. چیزها کاملاً بر عکس است.

بنظر من این درس است که جامعه از

این سال ثبات گرفت. امسال تعداد

اعتصابات بطور سیماتیک افزایش

یافتند. این بیشتر شد، در حقیقت

نظر تعداد اعتصابات سال رکورد بود، زیرا

کثر است، ولی خیلی بیشتر از سال

۹۳ است. بیشتر از اواخر سال

اعتصابات افزایش یافته اند. چرا که

کارگران صبرشان سر آمدند. اما مساله

رابطه شما باید به یک ویژگی دیگر

اقتصاد روسیه هم توجه کنید: بسیاری

موقع کارگران تا ماهها - حتی تا چهار

ماه - حقوقشان عقب می افتد. این

"عقب افتادگی حقوقها" در صنایع

مختلف فرق می کند. طولانی ترین

چهار ماه است، ولی معمولاً دو تا سه

ماه است. و این فاجعه است، چرا که نه

تنها حقوق را سر موقع نمی دهد،

بلکه با توجه به نرخ تورم، که چیزی

بین ۱۰ تا ۱۵ درصد در ماه است،

نه گام دریافت حقوق ارزشش ۳۰ تا

نه گام دریافت حقوق ارزشش شد. ولی در مورد

آنها شدت کمتر بود، چرا که سنتی ترند

و حمایت سنتی دارند. آنها اعضاشان

در بدنه تشکیلات با شبات قر است.

با خشایانی علت که کلا مسن ترند.

اعضای زیادی دارند که بازنشسته اند و

کار دیگری جز اینکه در منحل کردند،

دستمزدها بتناسب نرخ تورم یک قانون وجود

دارد، که هیچ موقع لغو نشده است. بر

طبق این قانون حدود هر سه ماه یکبار

باید دستمزدها به نسبت تورم افزایش

یابند.

بوریس کاگارلیتسکی، عضو کمیته اجرایی حزب کار روسیه:

ما در سالهای گذشته

از کوتاه بینی پارلمانی رفع زیادی بودیم

یکی از ضعف های چپ در سالهای گذشته این بود که آنقدر از خشونت میهارا سید که نه تنها از ایجاد استراتژیهای قهرآمیز برای خود امتناع ورزید - که کار صحیح بود - بلکه حتی از اندیشیدن به اینکه چگونه باید با خشونت رژیم مقابله کرد، خودداری کرد، و این کاملاً غلط بود.

بوریس کاگارلیتسکی از چهره های سرشناس جنبش چپ در رویه است. وی نماینده شورای شهر مسکو که سال ۹۳ توسط یلتین منحل شد، بود. بوریس کاگارلیتسکی همچنین مشاور فدراسیون اتحادیه های کارگری روسیه بود و در حال حاضر عضو کمیته اجرایی حزب کار روسیه است. بهرام سروش از همکاران کارگر امروز با بوریس کاگارلیتسکی که در ماه مه برای شرکت در یک اجلاس به سوئد آمده بود درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی، جنبش کارگری و چپ رویه گفتگویی انجام داده است که آنرا می خوانید.



Boris Kagarlitskij

اولین سوال در باره اوضاع سیاسی و اقتصادی رویه است. آنرا چگونه می بینید؟ چه چیزی تغییر کرد؟

هدف کودتای سپتامبر ۹۳ از بین بردن اپوزیسیون سیاسی و تعکیم موقعیت یلتین بود. اما کودتا از بسیاری لحظه - نه از همه لحظه - شکست خورد. دراما، یعنی پارلمان جدید که پس از کودتا انتخاب شد، اختیارات خیلی کمی دارد. در این انتخابات تقریباً نیمی از مردم شرکت نکردند. علی رغم این، در مجلس دوماً، احزاب اپوزیسیون اکثریت را بدست آوردند. اما مساله این است که مجلس دوماً اختیارات خیلی کمی دارد.

بنابراین از لحظه سیاسی رژیم موفق شد خود را تعکیم کند. ولی کاری که کرد، اند انتقال اختیارات بود. وزارت خانه هاست. همه چیز در کنترل وزرا و یا

خود رئیس جمهور است.

منظورتان این است که نمایندگان

اکنون اختیاراتشان نسبت به قبل

کمتر است؟

اصلاً اختیاراتی ندارند. بعنوان مثال، تاکنون قطعنامه های زیادی علیه جنگ در چچنی صادر کرده اند، اما جنگ هنوز ادامه دارد.

بعد از انتخابات، سیاست رژیم ایجاد باصطلاح "آشنا می" بود. این در

حقیقت آشنا دادن الیت بود. کل الیت جامعه، همه احزاب سیاسی اصلی - باشتشای حزب کمونیست و چند حزب

فرعی چپ - را گرد هم آوردند و امضای این قرارداد با دولت توسط رهبری اتحادیه های انتخابی شد. در این نظر توافقنامه ای امضا کردند. در این توافقنامه که دولت پیشنهاد کرده بود، به رهبران اپوزیسیون در ازای اینکه

تلash نکنند جهت حرکت اصلی کشور را تغییر دهند موقعیت های امنی در

نظام جدید داده شد. ما آنرا "آشنا" نیزیم، چرا که شد. ولی الان وضعیت دارد تغییر می کند و دوباره تقریباً مثل گذشته است.

در عین حال می بینیم که سال ۹۴، که آنرا بعنوان سال آشنا اعلام کردند، و تراویک ترین مساله این که آشکارا یک معامله

رهبری اتحادیه های داشتند، ایجاد را که بیندش ممنوعیت حق انتصاف

که یک پسر از اینکه بیکار بود،

يعنى مخالفت نمی کردد؟

نه تنها مخالفت نمی کردد، بلکه وقتی یک انتصاف اصلی کشور گرفت، مثلاً وکیل می فرستادند تا مک کنند انتصاف عمومی شود. از این نظر دستمزدها بتناسب نرخ تورم را دنبال می کردند، که در ضمن عملی غیرقانونی بود. چونکه در مورد وابستگی حمایت از، و برخورد مثبت بود. حقیقت علاوه بر این، که می خواستند اینکه حقوق ارزشش را در حقیقت علاوه بر این، که می خواستند اینکه حقوق ارزشش شد. ولی این نظر طبق این قانون حدود هر سه ماه یکبار باید دستمزدها به نسبت تورم افزایش یابند. مشکل دقیقاً اینجاست. این قانون از اینکه بیندش ممنوعیت حق انتصاف را در برای دولت سیار ضعیف بود؛ اپوزیسیون سیاسی مشکل داشتند. یعنی رهبری اتحادیه های داوطلبانه یک قرارداد منع انتصاف را پذیرفتند.

از این نظر در آن سال ما بعنوان حزب کار متحمل یک شکست جدی شدیم.

خود را بعنوان یک حزب ملی، حزبی که معطوف به امر ملی است، بعنوان یک حزب ناسیونال - رفرمیست با بنظر من باید دو کار صورت بگیرد: علاقه قابل توجهی در حال حاضر به سیاستهای کارگری (که با درجه معینی از حمایت پاسیو از جانب طبقه کارگر همراه است، برویه در مناطق خاص) نمایان میکند. اما به این حزب بعنوان یک اپار طبقه کارگر برای سازمانیابی و یا نایاندگی طبقه کارگر نگریسته نمیشود. طبقه کارگر هم به آن به این عنوان نمی نگردد. طبقه کارگر آنرا حزبی می بیند که میتواند شرایط را در جهت منافع آن تغییر دهد؛ آنرا حزب خود نمی داند. و مساله این است که اکثر کارگران هیچ حزبی را نایانده خود نمی دانند. همچنین من فکر نمیکنم که حزب کار، به آن شکل که الان وجود دارد، می تواند صرفا بزرگتر و بزرگتر شود و این نقش را بازی کند. فکر می کنم یک تجدید ترکیب واقعی نیروها صورت خواهد گرفت، و ما باید در آن نقش بازی کنیم.

دو حال حاضر اتحادیه ها به کدام گرایش تغایل دارند؟ از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی کجا ایستاده اند؟ خود را سویالیست می دانند؟ یا ...

دستگاه اتحادیه آنها بروکراتیک تر شده اند. بنظر من باید دو کار صورت بگیرد: تصمیم گیری ها و فعالیت ها باید غیر مستمرک شوند، و همزمان امکانات مالی اتحادیه باید پخشش متمرکز شود. الان وضعیت کاملا عکس این است. بدین معنی که امکانات مالی شدیدا غیر مستمرک شوند، و فعالیتهای اتحادیه کاملا مستمرک شوند. نتیجتا همه چیز فلح می شود. سازمانهای محلی امکانات مالی معینی دارند، اما نه به مقادیر که برای فعالیتهای وسیع تر کافی باشد. در عین حال امکانات کمی برای تصمیم گیری دارند. مانند دسترسی داشتن به اطلاعات. الان وضعیت بدین گونه است که مرکزیت اتحادیه همه اطلاعات و همه اختیارات تصمیم گیری در دستش است، ولی در عین حال امکانات مالی و تسهیلات خیلی کمی در اختیار دارد. و امکاناتی هم که در اختیار دارند صرف چرخاندن امور بروکراسی می شود؛ صرف امتر طبقه کارگر علی العموم نمی شود.

و با این پذیرش بند منع اعتراض به راست چرخیده اند و دورنمای بلاقله ای برای رادیکالیزه شدنشان وجود ندارد...

بنظر من دورنمای بلاقله رادیکالیزه شدنشان وجود دارد. به این دلیل که اوضاع دارد خراب می شود مجبورند یک کاری بکنند. بینیید، رهبران اتحادیه کار بود. این نکته مهمی است، چونکه آنها بدوا به حزب کار بعنوان اپار سیاسی اتحادیه ها گرایش داشتند. اما وقتیکه حزب کار در نظر رهبری اتحادیه بیش از حد رادیکال و چپ شد، رهبری اتحادیه به گرایش از حزب کار پایان داد. و اولین اقدامشان تشکیل یک سازمان جدید بنام "اتحادیه سویال دمکرات روسیه" بود. برای این کار تعدادی را از حزب کار کنند و آدمهای دیگری را از جاهای دیگر گرد آوردند. آنها سعی کردند آنرا بعنوان یک تشكیل سیاسی متداول و به یک معنایی "دون سیستمی" مطرح کنند. اما کارشنان نگرفت. هیچ حمایتی از جانب توده های اتحادیه جلب نشد و توانستند ارتقابی با اتحادیه ها در سطح محلی ایجاد کنند. علت شن هم این بود که این فعالین ما بودند که در اتحادیه ها بودند و به اتحادیه ها نزدیک بودند. سویال دمکراتها هیچ ربطی به اتحادیه ها نداشتند؛ علاقه ای به اتحادیه ها نداشتند. البته علاته داشتند که از رهبری اتحادیه پول دریافت کنند، ولی این چیزی نبود که فعالین اتحادیه در سطح محلی را خیلی خوشحال کند. باین خاطر هیچ وقت پا نگرفت. البته هنوز موجودیت دارد، ولی تاثیرش ناچیز است؛ در سیاست جدی هیچ تاثیری ندارد.

بعد از این مساله، "شماکوف"، دیر فعلی فدراسیون اتحادیه ها، فکر کرد که این خطر وجود دارد - ذ. این واقعی بود - که اتحادیه ها از جریانات سیاسی متفاوت حمایت کنند و بدین ترتیب از نظر سیاسی چند تکه شوند. برای ممانعت از این مساله، آنها انتلاقی تشکیل دادند بنام "اتحادیه

پس امکان اینکه چپ رادیکال، سازمانهای رادیکال سویالیست کارگری، بدون حزب کمونیست اتحادی با هم تشکیل دهند وجود نداشت؟

ما روی این کار کرده ایم. این تاریخ پژوهه اصلی ما بود. مساله این است که بسیاری از این سازمانها بسیار تعییف شدند؛ بعضی سرخورده شدند و حتی تعدادی از هم پاشیدند. لازمه چنین اتحادی بوجود آمدن موج جدیدی از فعالیت در سطوح پایانی جنبش است. بدون این آخري، هر اتحادی کاملا مصنوعی خواهد بود. ما چندین بار تلاش کردیم چند کنفرانس و میتمینگ فعالیت پایانی اتحادیه ای را ترتیب بدهیم، ولی هر بار این رهبری اتحادیه بودند. در حالیکه ما نبودیم - بجز یک نفر در مجلس سنا، یک سناتور بنام آلسکس مولین. ولی در حال حاضر دیگر حزب کار است. ولی این کاملا استثنائی است. از طرف دیگر جالب است که حزب کمونیست قبلا یک نوع سیاست اپرتوئیستی و ناسیونال - رفرمیستی اتخاذ کرده بود؛ و این مشخصه حزب کمونیست در سال ۹۲ بود، و برویه بعد از کودتای سال ۹۳ یک سیاست خیلی راست و کاملا دور از هر موضوع سویالیستی، کمونیستی یا کارگری. ولی بعدا در اثر فشار شدید از طرف رده های پایانی حزب و همچنین مختلف آدمهای مترقبی اند، و نه سایر جریانات چپ نزدیک تر شد، و همین حالاتا حدی به رسانه ها دسترسی داریم. علتیش هم این است که در طول سال گذشته چپ، برویه چپ باصطلاح غیرکمونیست، شدیدا در انکار عمومی و از لحظه فرهنگی تقویت شده است.

برای مثال شما می توانید بینید که کسانی که در رسانه ها کار می کنند، مانند خبرنگاران، رادیکالیزه شده اند. خیلی از آنها چپ اند، از انواع مختلف آدمهای مترقبی اند، و نه سایر رسانه های پایانی چپ، حزب به ضرورتا چپی و معتقد به سویالیسم و کمونیسم. اینها برخورده خیلی مشتبه دارند. البته در عین حال سانسور وجود دارد. باور نکنید وقتی می گویند سانسور دو سال ندارد. اما در عین حال مقاومت شدیدی در مقابل سانسور، برویه در رادیو عمومی، و همینطور گاهها در تلویزیون، وجود دارد. بدین ترتیب چپ ها درون رسانه ها دارند مبارزه می کنند تا بتوانند برنامه های مترقبی خودشان را تعمیل کنند. و این بنظر من یکی از موقای ترین مبارزاتی است که دوستان و رفقاء ما در طول سال گذشته پیش بردند. الان برای کسانی مثل ما در مقایسه با دو سال پیش سیار راحت تر است که حداقل در رادیو حرف بزنیم، و بعضی وقتها در تلویزیون.

می گویند اوضاع برای شما دارد تغییر می کند. آیا نفوذ گذشته تان در اتحادیه ها را دارید مجددا کسب می کنید؟

این دو تحول امکان شکل گیری یک

صورتی دارد که نفوذ گذشته تان

در اتحادیه ها را آرایش مجددا کسب می کنید؟

این دوست داده که بما امکان می

دهد که خیلی از نزدیک با حزب

کمونیست همکاری کنیم و بعنوان

همکار جزء آنها در پروسه انتخاباتی

شرکت کنیم.

ایا این اتحاد بر سر نکات معینی

است؟

برنامه انتخاباتی حزب کمونیست در هفت

ها یا ماه آینده تهیه خواهد شد، و ما

در مباحثات آن شرکت داریم. این

مباحثات علیه اند و حزب کمونیست

یک لیست انتخاباتی آزاد خواهد داشت.

البته این بین معنی نیست که ما آدمهای

زیادی در آن لیست داریم، ولی ما

بخشی از پروسه خواهیم بود، که برای

ما مهم است. اینکه چند نفر، و یا

اصلا کسی، از ما انتخاب میشود یا

نه به اینکه چقدر خوب کار کنیم

سازمان مرکزی را باز سازی کرده اند.

اما این رفرم واقعی اتحادیه نبود. و

در حقیقت پس از تجدید سازمان در

سویالیست صحبت کنید. آیا

انتخاباتی باشیم، و دو وظیفه در مقابل خود می بینیم: اولا ما برای انتخابات عادلانه مبارزه می کنیم. ما نگران این هستیم که تقلب کنند، چون امکانش وجود دارد. هر چند در بیشتر درباره

اینکه چگونه دارند انتخابات را آماده می کنند بدانیم بهمان اندازه هم در مورد چپ پارلمان شدیدا تقویت شدند، و سایر سازمانهای چپ شدیدا تعییف شدند.

اینکه چگونه چپ شدیدا تعییف شدند. احزاب پارلمانی حزب کمونیست و حزب زراعی هستند. تعادل قوای بتفع آنها چرخید.

این واقعی است که ما باید برسیت بشناسیم. این بین این اتحادی بوجود آمدند میشوند خواهیم داشتند. ثانیا، ما در

طريق کار دون اتحادیه و از میان پرسیه خواهیم کرد تا بهمراه حزب کمونیست انتخابات را بسیج

پیش از این بعنوان یک متعدد فرعی. و از

برای سیاست انتخاباتی، مردم را بسیج

دارید؟

همین حالاتا حدی به رسانه ها دسترسی داریم. علتیش هم این است که در طول سال گذشته چپ، برویه چپ باصطلاح

غیرکمونیست، شدیدا در انکار عمومی و از لحظه فرهنگی تقویت شده است.

برای مثال شما می توانید بینید که کسانی که در رسانه ها کار می کنند،

مانند خبرنگاران، رادیکالیزه شده اند.

خیلی از آنها چپ اند، از انواع مختلف آدمهای مترقبی اند، و نه

سایر رسانه های پایانی چپ، حزب به ضرورتا چپی و معتقد به سویالیسم و

کمونیسم. اینها برخورده خیلی مشتبه دارند. البته در عین حال سانسور وجود دارد. باور نکنید وقتی می گویند سانسور

دو سال ندارد. اما در عین حال مقاومت شدیدی در مقابل سانسور، برویه در رادیو عمومی، و همینطور گاهها در تلویزیون،

وجود دارد. بدین ترتیب چپ ها درون رسانه ها دارند مبارزه می کنند تا بتوانند

اهمیت آنچه می توان به آن "زمکراسی رسمی" گفت. از طرف دیگر، این جزوی از حرکت آنها براست است. ولی در عین

حال فکر می کنم اینست که در دوستان و رفقاء ما در طول سال گذشته پیش بردند. الان برای کسانی مثل ما در

مقایسه با دو سال پیش سیار راحت تر است که حداقل در رادیو حرف بزنیم، و بعضی وقتها در تلویزیون.

می گویند اوضاع برای شما دارد تغییر می کند. آیا نفوذ گذشته تان در اتحادیه ها را دارید مجددا کسب می کنید؟

این دو تحول امکان شکل گیری یک

صورتی دارد که نفوذ گذشته تان

در اتحادیه ها را آرایش مجددا کسب می کنید؟

این دوست داده که بما امکان می

دهد که خیلی از نزدیک با حزب

کمونیست همکاری کنیم و بعنوان

همکار جزء آنها در پروسه انتخاباتی

شرکت کنیم.

ایا این اتحاد بر سر نکات معینی

است؟

این دو تحول امکان شکل گیری کاهش یافتد که تا زمان داریم کم راست می

کنیم. ولی این از دست داد نفوذمن در اتحادیه ها حداقل یک چیز خوب

بهمراء داشته، و آن این است که در

گذشته مایل از حد به عناصر مترقبی در بروکراسی اتحادیه وابسته بودیم.

یعنی اینکه بخش اصلی کار ما بر

مترقب اتحادیه های انتخابی شروع کنیم، از سطح محلی. از این نظر خیلی مشکل تر است و وقت بیشتری می برد. ولی در عین حال نتیجه اش مستحکم تر است.

بنابراین الان از این نظر در سطح

رهبری اتحادیه ضعیف تریم، ولی در

سطح توده های اتحادیه قوی تریم.

می خواستم در باره نیروهای چپ و

کارگر امر

تامین می کند، و غیره. و این واقعیت از خیلی جهات امر سازماندهی کارگران را بعنوان کارگر مشکل می کند. چرا که جامعه کارگری در رویه گاهای شیوه نوعی جامعه صنعتی دهقانی است، چون چیزهای زیادی هست که آنها را با به بنگاه و مدیریت آن، و یا به خود شهر وابسته می کند. بنابراین نمی توانند برآختی از یک محل به یک محل دیگر بروند. از این نظر طبقه کارگر رویه کاملاً پرولتیری نشده است، با اینکه ممکن است خیلی پرولتیری بنظر بررسی در عین حال تعادل زیادی کارگر وابسته و یا نیمه وابسته وجود دارد.

بنابراین یکی از وظایف پیشاروی ما شکل دادن به جنبش طبقه کارگر با سویالیست بازاری جدی است. منظورم از سویالیست بازاری اینست که واقعاً سویالیست است؛ یک سویالیست واقع بین است. و همین دلیل استفاده از سازمانیابی را فراهم کنیم، علیرغم اینکه کارگران در موقعیت کلاسیک، در وضعیت استانداردی که امر سازمانیابی را آسان تر می کند قرار ندارند. یعنی حالتی که ممکن است خیلی قیفر باشی ولی کاملاً مستقل هستی و امکان این را داری که برآختی شغل خود را عوض کنی، و غیره.

این مصاف اصلی است که در برابر ما قرار دارد. و راستش، ما هنوز استراتژی های مناسب برای پاسخگویی به این وظیفه را نساخته ایم. ولی باید این کار را بکنیم و خواهیم کرد. من به اینکه چپ بتواند جواب های لازم را بیاند خوشبینم. مساله بر سر استرتیجی است؛ بر سر یافتن راه های درست برای سازماندهی، برای کار در سطح بنگاه و در سطح سراسری. این یک طرف قضیه است.

اما حال خبر خوش. می دانید که یک جوک رویی هست که یلتیشن در عرض سه سال موفق شد کاری بکند که حزب کمونیست در عرض ۷۰ سال نتوانست. و آنهم این بود که باغت شد کمونیسم چهره خوبی بیابد. در نتیجه این تغییر، عقاید سویالیستی دوباره دارند در حالت مختلط واقعی است. آنچه در اقتصاد مختلط واقعی است. آنچه در حال حاضر در دستور قرار دارد سویالیست نیست بلکه یک اقتصاد مختلط واقعی است. ولی چنین اقتصاد مختلطی بدن است. یک جزء واقعه قابل ملاحظه و بنظر من مسلط سویالیستی در این اقتصاد مختلط عملی نیست.

آیا این چیزی است که حزب شما دارد مطرح می کند، نوعی اقتصاد مختلط؟

بعنوان یک چیز انتقالی، آری. بعنوان مثال، بما حمله شد که التقاطی هستیم؛ بدین معنی که در عین حال، هم مقداری بازار میخواهیم و هم ملی کردن بیشتر؛ اینکه خواهان تشویق بیزینس ها و بنگاههای خصوصی کوچک هستیم و خواهان بھبود و کارکرد درجه ای از مکانیزم های بازاریم، و در عین حال خواهان برنامه زیزی بیشتر، بشکل کنترل سرمایه گذاری، سرمایه گذاری مستقیم دولتی در بنگاههای بخش دولتی و در خدمات عمومی، و غیره. البته متقدیم ما می گوییم که ما التقاطی هستیم. ولی آنچه ما می گوییم ترتیب مردم فقط پول دارند که هزینه مایحتاج ابتدائی را تامین کنند. ولی

نخواهد بود، چرا که مقاومت زیادی علیه آن خواهد شد. آنها سر این موضوع تبلیغات جدی زیادی راه انداشتند.

کاندیداهای اپوزیسیون که شانس پیروزی داشته باشند کدامند؟

بنظر من کاندیداتی که بیشترین شانس موقتی را دارد، و کسی که من شخصاً از او پشتیبانی خواهم کرد — اگر در انتخابات شرکت کند — روزگار است. روزگار یکی از آخرین نخست وزیرهای شوروی سابق بود. در گروه گوریاچف بود، ولی بعداً بین او و گوریاچف قبول است. در واقعیت امر او خیلی به دولت و سیاستهای یلتیشن نزدیک نخواهد شد؛ کاندیدای آنترناتیو هم ندارد. تنها کاندیدای نزدیک به آنها که می توانند تا حدی موفق شود، ولی پیروز هم نخواهد شد، زیرنوفسکی است. این البته برای غرب غیر قابل قبول است. در طرف بینگاههای انتخاب تضمین کنند، اما هنوز درجه ای از حمایت اجتماعی در سطح بنگاه دارند. مثلاً ممکن است پول نداشته باشی ولی می توانی به نهارخوری کارخانه، که غذای سوسیس شده خیلی ارزان برای کارگران دارد، بروی. یا هنوز آپارتمان تضمین شده از طرف بینگاه داری که بخشی از کرایه اش (۳۰ درصد) توسعه بینگاه پرداخت میشود. اما مشکل جدید دو حال حاضر این است که حفظ این طرف بنگاهها دارد سخت تر و سخت تر میشود. و کلا با سیاست نتو لیبرالی سازگار نیست. در نتیجه پتانسیل عظیمی برای انجام اجتماعی در کشور وجود دارد. مردم آگاهند که این شرایط نمی توانند برای همیشه دوام بیاورد و باشند. بدین معنی که اگر دولت قول امیازاتی به کارگران صنایع معینی را بدهد این اتحادیه ها ممکن است از کاندیداهای دولت در انتخابات حمایت کنند. همه اینها بدین معنی است که اتحادیه ها جبهه متحده را در انتخابات نمایندگی نمی کنند. و این مشکل بزرگی برای رهبری اتحادیه و بقای اتحادیه هاست، چرا که این مساله باعث خواهد شد که اتحادیه ها در پارلمان آئی بطور جدی از نمایندگی محروم شوند.

می خواستم به مساله نتایج سیاستهای اقتصادی دولت پردازید، مسائلی مانند فقر و بیکاری که آنرا می بینم. اوضاع چطور می توانند از این هم بدتر شود؟ بنظر من اوضاع خیلی راحت می توانند. بخارا که شدیداً با او مخالفند ۷۵ درصد است؛ همین آمار چیزهای مثلاً چند پیش یکی از مشاورین زیادی را نشان می دهد. سپس، اوایل ماه مه، سنجش دیگری توسط همان یلتیشن منتشر شد که بر طبق آن اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که حدود ۶ درصد مردم از یلتیشن حمایت می کنند. در حالیکه تعداد کسانی که شدیداً با او مخالفند ۷۵ درصد است؛ همین آمار چیزهای مثلاً چند پیش یکی از مشاورین زیادی را نشان می دهد. سپس، اوایل ماه مه، سنجش دیگری توسط همان یلتیشن منتشر شد که بر طبق آن اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که باید سلطنت در روسیه احیا شود، و یلتیشن را هم بعنوان نگه دارند. اما مساله این بود که در همان قدرت می ماند، اما نه بعنوان رئیس خواهند شد. اینها نشاندهندن از او انتقاد داشتند. اینها از نیابتی، تا موقوفیکه شاه واقعی، تزار واقعی، بر سر کار بیاید. چونکه در حال حاضر تنها مدعی پادشاهی فقط ۱۲ سالش است و ۶ یا ۷ سال طول خواهد کشید تا بزرگ شود. با این حساب یلتیشن تا ۷ سال دیگر اختیارات نامحدود خواهد داشت، بدون اینکه کسی حق دخالت داشته باشد.

ها بیان سمبیلیک بیاند اما نگذاره مردم بطور واقعی وضعیت را تغییر دهند.

دولت همچنین مصمم است که از انتخابات ریاست جمهوری جلوگیری کند و یا بتواند بیانی در آن تقلب کند. یا دستکم نگذارد که کاندیدا های اپوزیسیون پیروز شوند. این مثل روز روشن است که دولت در انتخابات ریاست جمهوری پیروز دهد اوضاع می تواند بسرعت وخیم شود و حالت انفعاری بخود بگیرد. اما یکی از اینکه ممکن است پول نداشته باشی ولی می توانی به نهارخوری کارخانه، که غذای سوسیس شده خیلی ارزان برای کارگران دارد، بروی. یا هنوز آپارتمان تضمین شده از طرف بینگاه داری که بخشی از کرایه اش (۳۰ درصد) توسعه بینگاه پرداخت میشود. اما مشکل جدید دو حال حاضر این است که حفظ این طرف بنگاهها دارد سخت تر و سخت تر میشود. و کلا با سیاست نتو لیبرالی سازگار نیست. در نتیجه پتانسیل عظیمی برای انجام اجتماعی در کشور وجود دارد. مردم آگاهند که این شرایط نمی توانند برای همیشه دوام بیاورد و باشند. بدین معنی که اگر دولت قول امیازاتی به کارگران صنایع معینی را بدهد این اتحادیه ها ممکن است از کاندیداهای دولت در انتخابات حمایت کنند. همه اینها بدین معنی است که اتحادیه ها جبهه متحده را در انتخابات نمایندگی نمی کنند. و این مشکل بزرگی برای رهبری اتحادیه و بقای اتحادیه هاست، چرا که این مساله باعث خواهد شد که اتحادیه ها در پارلمان آئی بطور جدی از نمایندگی محروم شوند.

می خواستم به مساله نتایج سیاستهای اقتصادی دولت پردازید، مسائلی مانند فقر و بیکاری که آنرا می بینم. اوضاع چطور می توانند از این هم بدتر شود؟ بنظر من اوضاع خیلی راحت می توانند. بخارا که شدیداً با او مخالفند ۷۵ درصد است؛ همین آمار چیزهای مثلاً چند پیش یکی از مشاورین زیادی را نشان می دهد. سپس، اوایل ماه مه، سنجش دیگری توسط همان یلتیشن منتشر شد که بر طبق آن اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که حدود ۶ درصد مردم از یلتیشن حمایت می کنند. در حالیکه تعداد کسانی که شدیداً با او مخالفند ۷۵ درصد است؛ همین آمار چیزهای مثلاً چند پیش یکی از مشاورین زیادی را نشان می دهد. سپس، اوایل ماه مه، سنجش دیگری توسط همان یلتیشن منتشر شد که بر طبق آن اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که باید سلطنت در روسیه احیا شود، و یلتیشن را هم بعنوان نگه دارند. اما مساله این بود که در همان قدرت می ماند، اما نه بعنوان رئیس خواهند شد. اینها نشاندهندن از او انتقاد داشتند. اینها از نیابتی، تا موقوفیکه شاه واقعی، تزار واقعی، بر سر کار بیاید. چونکه در حال حاضر تنها مدعی پادشاهی فقط ۱۲ سالش است و ۶ یا ۷ سال طول خواهد کشید تا بزرگ شود. با این حساب یلتیشن تا ۷ سال دیگر اختیارات نامحدود خواهد داشت، بدون اینکه کسی حق دخالت داشته باشد.

چه کسانی صحبت می کنند؟

مشابه چند پیش یکی از مشاورین یلتیشن، سرگی استانکیوچف، که تا همین اواخر مشاور یلتیشن بود، اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که باید سلطنت در روسیه احیا شود، و یلتیشن را هم بعنوان نگه دارند. اما مساله این بود که در همان قدرت می ماند، اما نه بعنوان رئیس خواهند شد. اینها نشاندهندن از او انتقاد داشتند. اینها از نیابتی، تا موقوفیکه شاه واقعی، تزار واقعی، بر سر کار بیاید. چونکه در حال حاضر تنها مدعی پادشاهی فقط ۱۲ سالش است و ۶ یا ۷ سال طول خواهد کشید تا بزرگ شود. با این حساب یلتیشن تا ۷ سال دیگر اختیارات نامحدود خواهد داشت، بدون اینکه کسی حق دخالت داشته باشد.

می خواستم به مساله نتایج سیاستهای اقتصادی دولت پردازید، مسائلی مانند فقر و بیکاری که آنرا می بینم. اوضاع چطور می توانند از این هم بدتر شود؟

با چنین محبوبیت یلتیشن صحبت می توانند در یک انتخابات دمکراتیک یا پروسه دمکراتیک دوام بیاورد. برای همین آنرا می بینم. اوضاع چطور می توانند از این هم بدتر شود؟

بنظر من اوضاع خیلی راحت می توانند. بخارا که شدیداً با او مخالفند ۷۵ درصد است؛ همین آمار چیزهای مثلاً چند پیش یکی از مشاورین زیادی را نشان می دهد. سپس، اوایل ماه مه، سنجش دیگری توسط همان یلتیشن منتشر شد که بر طبق آن اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که باید سلطنت در روسیه احیا شود، و یلتیشن را هم بعنوان نگه دارند. اما مساله این بود که در همان قدرت می ماند، اما نه بعنوان رئیس خواهند شد. اینها نشاندهندن از او انتقاد داشتند. اینها از نیابتی، تا موقوفیکه شاه واقعی، تزار واقعی، بر سر کار بیاید. چونکه در حال حاضر تنها مدعی پادشاهی فقط ۱۲ سالش است و ۶ یا ۷ سال طول خواهد کشید تا بزرگ شود. با این حساب یلتیشن تا ۷ سال دیگر اختیارات نامحدود خواهد داشت، بدون اینکه کسی حق دخالت داشته باشد.

می خواستم به مساله نتایج سیاستهای اقتصادی دولت پردازید، مسائلی مانند فقر و بیکاری که آنرا می بینم. اوضاع چطور می توانند از این هم بدتر شود؟

بنظر من اوضاع خیلی راحت می توانند. بخارا که شدیداً با او مخالفند ۷۵ درصد است؛ همین آمار چیزهای مثلاً چند پیش یکی از مشاورین زیادی را نشان می دهد. سپس، اوایل ماه مه، سنجش دیگری توسط همان یلتیشن منتشر شد که بر طبق آن اسنادی را رو کرد که در آنها گفته شده بود که باید سلطنت در روسیه احیا شود، و یلتیشن را هم بعنوان نگه دارند. اما مساله این بود که در همان قدرت می ماند، اما نه بعنوان رئیس خواهند شد. اینها نشاندهندن از او انتقاد داشتند. اینها از نیابتی، تا موقوفیکه شاه واقعی، تزار واقعی، بر سر کار بیاید. چونکه در حال حاضر تنها مدعی پادشاهی فقط ۱۲ سالش است و ۶ یا ۷ سال طول خواهد کشید تا بزرگ شود. با این حساب یلتیشن تا ۷ سال دیگر اختیارات نامحدود خواهد داشت، بدون اینکه کسی حق دخالت داشته باشد.

آغاز دوران نوینی در جنبش کارگری دانمارک

مقدمه

اعتراض ۸۲ رانندۀ اتوبوس در شهر ایسبرگ دانمارک که وارد ۱۴۰ امین روز خود شده است گرد و غبار ده سال کرختی و آرامش را از تن جنبش کارگری دانمارک تکاند. اعتراض و پیکت رانندگان اتوبوس نه تنها در ریف طولانی ترین اعتراض و مقاومت تاریخ جنبش کارگری دانمارک قرار گرفت، بلکه همچنین روح همبستگی و مقاومت را در طبقه کارگر بیدار کرد. همبستگی و مقاومت بیدار شده مانند هر طوفان پس از آرامش کوینده و قدرتمند است. برانگیختن روح همبستگی و اتحاد و هم سرونوشتی پس از یک دوران نسبتاً طولانی آرامش و در شرایطی که همبستگی و اتحاد زیر ضرب جدی قرار گرفته است و در زمانی که تشکلهای رسمی مانند اتحادیه‌ها بیش از هر زمانی از مبارزه جوئی دست کشیده اند و نه خواهان آنند و نه توان آن را دارند که با بسیج نیروی طبقه به دفاع از حقوق و دستاوردهای آن پیرازند، تنها از "شیطان" کمونیسم کارگری ساخته است. این شیطان اقتدار خداوند سرمایه را به تمفسخ گرفته است و به آن می‌تازد.

مروری بر اعتراض



حمله پلیس و سگ‌هایش به پیکت رانندگان اعتراضی

پس از اینکه در ۲۴ فوریه ۹۶ شهرداری شهر ایسبرگ شرکت اتوبوس‌رانی شهر را به یک شرکت خصوصی به نام "ری بوس" فروخت ۲۵ نفر از رانندگان اخراج شدند و برعی به استخدام موقعت در آمدند. در اوائل ژوئن اخراج شدگان جلوی گاراز اتوبوسها پیکت کردند. و رفاقت اول فوریه سال ۹۵ به اجرا گذاشته می‌شد. کارفرمای شرکت از مذکوره بر سر قرارداد جدید سریاز زد و خواهان به اجرا گذاشتن آن شد. در هفتم ژوئن ۹۶ پلیس موفق شد تا پیکت کارگران تحت حفاظت پلیس خودداری کردند و به پیکت پیوستند و خواهان استخدام مجدد اخراج‌جایها شدند. در هفتم ژوئن با شکنجه اینها نیز از راندن اتوبوسها کمک سگ‌هایش بشکند. چندین نفر زخمی شدند و در بیمارستان بستری ایسبرگ، بلکه تمامی جنبش کارگری دانمارک را به خود معطوف داشت و قدرت و توان طبقه کارگر دانمارک را به میدان کشید. این اعتراضات تواند تغییر یابد و اخراجی‌ها باید به سر کار برگردند. در ۲۰ ژوئن رانندگان اخراجی در محل کار حاضر شدند، اما شرکت از پذیرش آنها سر باز زد. در ۱۹ ژوئن ۹۶ رانندگان دوباره به دلیل شرایط سخت از آنجا که اعتراض ناقص قرارداد کار بود اعتصابیون نه تنها از دریافت مزد پیکت جلوی حرکت اتوبوسها را سد کردند. کار دست از کارگران گردند گذاشت و کار از خواست کارگران را به خود متعطوف داشت و قدرت از کارگران خواست که نه محدود به شرکت مزبور ماند و نه محدود به شهر گشتد. مستثنی به دادگاه کار کشیده شد. دادگاه کار طرف راننده‌ها را گرفت و از کارگران خواست تا اول آوریل ۹۵ حقوق و شرایط کار نمی‌تواند تغییر یابد. این اعتراض مانند اکثر اعتراضات کارگری در دانمارک غیر قانونی و ناقض قرارداد کار است. اعتراضیون از همان روزهای نخست با ایجاد صفت گرفت و قرار و مدارها دیگر از حیات مادی فراتر رفت. قرار گذاشته شد تا حمله احتمالی پلیس به صف پیکت با اعتراض ضریبی و سریع در دیگر بخش های اتوبوس‌رانی پاسخ گیرد و در خود شهر ایسبرگ مجمع نمایندگان کارگران از ایام اعتراض محرومند بلکه جریمه هم می‌شوند. تنها شرط ادامه اعتراض فعالیت برای جلب همبستگی و جمایت کارگری بود، کمیته اعتراض در این زمینه فعالیت بسیار شمر بخشی را در پیش گرفت. پس از مدت کوتاهی کمیته های همبستگی در شهرهای بزرگ و کارگری پا گرفت. مجمع عمومی نمایندگان کارگران از سراسر کشور که در رابطه با قرارداد سالانه کار در اول مارس در شهرهای مختلف شدند گذشت همه اخراجی‌ها و اعتراض به شرایط کار بود که روز به روز سخت تر می‌گردید. انعطاف پذیری ساعت‌ها کار و کوتاه شدن ساعت استراحت از جمله آنها بودند. یکی از خواستهای محوری رانندگان تغییر قرارداد جدید کار بود که میان اتحادیه

بسته بود. سخنرانان به دولت، بورژوازی، پلیس و قانون حمله کردند. هر چه سخنرانی آتشی تر بود دست زدنها ممتد تر می‌شد. حتی یکی از نمایندگان سخنران خواهان این شد که محل تظاهرات از جلوی ساختمان پارلمان به جلوی ساختمان "آل او" تغییر یابد. هر سخنرانی که به روی سکوی سخنرانی می‌رفت اذعان می‌کرد که چنین اتوبوس دست از کار بکشد.

نمایش همبستگی کارگری در ۶ آوریل

وقتی که در پایان جلسه مجمع عمومی مطبوعات اجازه یافتد تا به داخل سالن راه یابند نمایندگان و فعلیں کارگری حاضر در جلسه با دست زدنی‌ها ممتد برای رهبران کمیته‌های همبستگی عزم‌شان را برای اجرای تصمیم کمیته‌های همبستگی مبنی بر تعطیلی دانمارک در ۲۰ آوریل به مطبوعات اعلام داشتند. پلیس به صف پیکت حمله کرد و بیش از هزار نفر در پیکت شرکت کردند و هزاران نفر در محل تجمع نمودند. سه اتوبوس در حرکت مرتب با پیکت مردم در شهر مواجه می‌شدند و پلیس می‌باشد با سگ‌هایش به کمک ۶ اتوبوس در حرکت که دو تای آنها توسط رئیس شرکت و پسرش رانده می‌شدند بنشتابند. اعتراض شکنان با اتوبوس به صف پیکت حمله می‌کردند. در همه شهرهای بزرگ رانندگان اتوبوسها ترمزها را کشیدند و اتوبوس از حرکت باز ایستادند. حدود ۱۰۰ نفر در شهر ایسبرگ توسط پلیس دستگیر شدند. در شهر تقریباً جنگ میان پلیس و مردم جریان داشت. پلیس با با Trom و سگ و با خشونت تمام به مردم حمله می‌کرد و اتوبوسهای در حرکت را اسکورت می‌کردند. مردم هم مانند زمانهای انقلابی بدترین بلاه را با جان می‌خوردند. به گفته سخنگوی خطاب به طبقه بورژوازی دانمارک فریاد می‌کشید: "بورژوازی دانمارک بین این نیروی همبستگی جنیش کارگری است. طبقه کارگر نمرده است. این نیروی سازمانهای خودجوش طبقه کارگر است". روز ۱۸ آوریل مجمع عمومی نمایندگان دیگری با فراخوان کمیته‌های همبستگی برگزار شد. در این مجمع عمومی بیش از ۱۵۰ نماینده و فعال کارگری شرکت داشتند. شور و شوق حاضر در مجمع عزم‌شان را سخنران نمایندگان و سخنگویان کمیته‌های همبستگی در رادیر و تلویزیون منعکس می‌شد. پس از پایان جلسه مجمع عمومی ۱۸ آوریل اعتصابیون مردم از زخمی شدن توسط سگ‌های پلیس ترسی به خود راه نمی‌دهند. از ۶ آوریل تاکنون هر روز در شهر ایسبرگ نبرد میان پلیس و پیکت کنندگان که از شهرهای مختلف به ایسبرگ پاسخ به سوال یک خبرنگار که پرسیده بود در ۲۰ آوریل چه اتفاقی خواهد افتاد گفت "بورژوازی دانمارک بر خود خواهد لرزید". و این گفته را سه بار تکرار کرد. شاید بینندگان تلویزیون این گفته را باور نداشتند اما در ۲۰ آوریل بورژوازی دانمارک بر خود لرزید.

در ۲۰ آوریل

بورژوازی دانمارک بر خود لرزید

اعتصاب ۲۰ آوریل یعنوان یکی از پنج اعتراض بزرگ تاریخ جنبش کارگری دانمارک بنت شد. و بزرگترین اعتراض همبستگی تاریخ جنبش کارگری دانمارک قلمداد شد. بین ۲۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر در اعتراض همبستگی شرکت کردند. برای اهمیت و وسعت این اعتراض برای خوانندگان فارسی زبان که در کشور ۶۰ میلیونی زندگی کرده اند بهتر است این رقم را با جمعیت ایران مقایسه کنم. جمیعت ایران ۱۲ برابر جمیعت دانمارک است و اگر ۲۵۰ هزار را ضربه ۱۲ کنیم می‌توان وسعت این اعتراض همبستگی را درک نمود. یعنی سه میلیون نفر در ایران در یک اعتراض همبستگی شرکت نمودند. چندین هزار نفر در شهرهای مختلف دست به تظاهرات زدند و در کپنهاگ و دیگر شهرهای بزرگ اتوبوس‌ها را در ۱۱ آوریل فرا خوانندند. حدود هزار نفر در مجمع عمومی شرکت کردند و تصمیمات کمیته‌های همبستگی با دست زدهای نمایندگان حاضر تصویب شد. جلسه مجمع عمومی به روی مطبوعات

مارش نیرومند همبستگی کارگری در ۲۰ آوریل

هر چقدر اعتراض و پیکت ادامه می‌یافتد همبستگی کارگری با آن نیز افزایش می‌یافتد. یکمۀ پس از اعتراض دیگر میان اعتصابیون رانندگان اتوبوس و سیاری از مراکز دولت تبدیل شد. در روز ۲۰ آوریل پارلمان دانمارک طرح احزاب محافظه کار دست راستی را برای خصوصی سازی ایجاد کرد. این راستی را برای خصوصی سازی به بحث و بررسی می‌گذاشت. احزاب مزبور خواهان خصوصی سازی سریعتر و سیعتر هستند. کمیته‌های همبستگی شهر ایسبرگ و کپنهاگ و دیگر شهرها تصمیم گرفتند تا ۲۰ آوریل را به روز اعتراض سراسری در هم‌زمان می‌گردند. چند ساعت همبستگی خود را بر قلای خود در شهر ایسبرگ اعلام کردند. روز شنبه ۱۴ مارس رانندگان کارگران از سراسر کشور که در رابطه با قرارداد سالانه کار در اول مارس حمایت از رانندگان "ری بوس" برگزار کردند و این روز به روز سخت تر می‌گردید. انعطاف پذیری ساعت‌ها کار و کوتاه شدن ساعت استراحت از جمله آنها بودند. یکی از خواستهای محوری رانندگان تغییر قرارداد جدید کار بود که میان اتحادیه

آغاز دوران نوینی در جنبش کارگری دانمارک

بقیه از صفحه ۹

های همیستگی با سازمان دادن پیکت های موضعی جلوی حرکت قطارها را سد می کردند. پلیس هنوز از شکستن یک پیکت خلاص نشده بود که می

ری بوس" پیوستند.

نقش اتحادیه ها

همین نمونه ساده که اتحادیه کارگران ساده "آس. آی. دی" بخش ایسبرگ زیر قراردادی را امضا کرد که تمامی مبارزه رانندگان بر علیه این قرارداد است خود جایگاه اتحادیه ها را بیان می کند. بجز چند انتساب به رادیکال و چپ که از همان اوایل دستیاران کیسته های همیستگی بوده اند و با کمکهای مالی و دیگر همیاری مبارزه را بیاری می دانند، اتحادیه ها عموماً ساکت و آرام بودند و خود اتحادیه های چپ هم با تلاش کیته های همیستگی به میدان آمدند.

چنین قدرت همیستگی نمی توانست از چهارچوب تشکل اتحادیه ای سر برین آورد. اتحادیه ها حتی در زمانی که دوران طفویل خود را می گذرانند از چنین خصوصیتی محروم بودند. محدودیت صنفی و حرفه ای اتحادیه ها مانع جدی بر سر همیستگی کارگری از همان بدو تولد اتحادیه ها بوده است. خلق همیستگی طبقاتی کارگری به این شکل و گستره از عهد اتحادیه های همیستگی کارگری بازتری به روی فعالیتهای همیستگی باز شد. کیته های همیستگی اتحادیه ها در جوار کیته همیستگی موجود در کپنهایک پس از ۲۰ آوریل پیدا شد و قول کمکهای مالی به جنبش همیستگی داد. صندوقهای اتحادیه ها به صورت تبارز میان کیته همیستگی اتحادیه ها و کیته همیستگی آشکار شد. "آل او" و جناح میانه در اتحادیه ها از این موقعیت ناخواهیشند بود. سر و کله "آل او" شده. اما پس از آوریل نمی توانستند بدون خیس شدن لباسهایشان، پاهایشان را به آب بزنند. موج آب خواهند شد. خود اتحادیه "آس. آی. دی" شعبه شهر ایسبرگ به خاطر عدم انجام وظیفه خود در برقراری آرامش در خیس می دو قرارداد و نقض قرارداد چندین میلیون کرون جریمه شد، پیکت از شهرهای مختلف به دادگاه کار شکایت کرده اند که اتحادیه ها در مقابل آن چندین میلیون کرون جریمه شد، آب بزنند اما نمی خواستند آنقدر در آن وارد شوند که لباسهایشان خیس شود. اما پس از آوریل نمی توانستند بدون خیس شدن لباسهایشان، پاهایشان را به آب بزنند. موج آب خواهند شد. خود اتحادیه "آس. آی. دی" شعبه شهر ایسبرگ به خاطر عدم انجام وظیفه خود در برقراری آرامش در خیس می شد، پیکت خواهد شد.

* محمود قزوینی عضو کمیته همیستگی با رانندگان اعتصابی است

همیستگی کارگری مردمی نمی شناسد

به کارگران اتوبوسرانی دانمارک
رقای عزیز

اخبار اعتصاب و مبارزه بر حق شما را با حساسیت کامل دنبال می کنیم. قاطعیت و انسجام شما در دفاع از مطالبات اعتصاب و همیستگی ناشی از این مبارزه که مرزهای کاذب ملی را در نورده است، شورانگیز، قابل احترام، حقیقی و غیر قابل انکار است.

حقیقت این است که مبارزه شما دیگر محدود به اتوبوسران و مطالبات آنها نیست، بلکه میروند که به ایجاد یک سد دفاعی در مقابل تعریض بورژوازی به سطح معیشت طبقه کارگر تبدیل شود و به تغییر شرایط به نفع مبارزه کارگری و تقویت همیستگی طبقاتی خدمت کند. این اعتصاب تا هم اکنون در تقویت سنتهای رادیکال و کلاسیک مبارزه کارگری نقش ایفا کرده است. بدون شک مبارزه شما و درسها حاصل از آن، جنبش کارگری دانمارک را در موقعیتی جدید قرار خواهد داد. نگرانی بورژوازی و اعلام "این همیستگی آمده است که بماند" و ضرب و شتم کارگران و اعتصابیون با تسلی به سگ و پلیس و اعتصاب شکن از اینجا ناشی میشود. این ایزار همیشگی بورژوازی در همه جای دنیا علیه ما کارگران است.

ما از خواست و تلاش حق طلبانه و انسانی شما حمایت می کنیم و بیروزی این مبارزه را امر خود میدانیم. ما کوشش خواهیم کرد با جلب همیستگی هر چه وسیعتر و رساندن صدای اعتراض شما به کارگران و سوسیالیستها در این مبارزه هم داشته باشیم. ما اعتقاد داریم که موقتی هر اعتراض و اعتصاب کارگری جنبش طبقاتی را تقویت می کند و صف مبارزه برای بینایی یک دنیای آزاد و برابر، دنیایی فارغ از ستم و استثمار و طبقات، جهانی سوسیالیستی را یک گام بجلو خواهد برد. در این مبارزه ما را در کنار خود بدانید.

اتحاد ما کارگران، جهانی برای فتح پیش رو دارد!

با دوردهای سرشوار از همیستگی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق

کمیته بین المللی همیستگی با کارگران ایران

۹۵ می ۲۵

جهان بکدام سو می رود؟

شده است - درآمد فقیرترین کشورها دو برابر شده است - با این وصف قدر مطلق تعداد مردم فقیر و همچنین سطح تفاوت درآمدها افزایش یافته است. شکاف بین ۲۰ درصد فقیرترین مردمان و ۲۰ درصد ثروتمندترین آنها در جهان، از نسبت ۱ به ۲۰ در سال ۱۹۶۰ به ۱ به ۶۰ در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. (یعنی شکاف بین قریب و غنی ۳ برابر عینی ترا شده است!!)

* در پایان سال ۱۹۹۴ حدود ۱/۳ میلیارد نفر در جهان در فقر مطلق زندگی می کردند. نیمی از این افراد در جنوب آسیا، یک چهارم آنها در شرق آسیا و ۱۶ درصد آنها در آفریقا زندگی می کنند. * فقر فاحش بوزیره در آفریقا مشاهده می شود. تخمین زده می شود که نیمی از جمعیت آفریقا زیر خط فقر زندگی می کند.

* گرچه پیشرفت عمله ای در دست عنصر کشورهای فقیر طی ۲۵ سال گذشته مشاهده

کند باید در مقابل آن بهای گرانی بپردازد.

"آل او" کپنهایک و اتحادیه های دیگر که امروز بطور نسبتاً وسیع به کمپین وارد شدند و اطلاعیه های خای خمایت آمیز

هم صادر نمودند فقط پس از دیدن نیروی همیستگی و فقط پس از اینکه دیدند چگونه فوج - فوج انسان هر

روز توسط کیته های همیستگی و با شدید اتحادیه کارفرمایها و کل بورژوازی از طریق اهرمها قانونی قرار دارند.

آنچه دانمارک کرد. اگر کیته های همیستگی با انتکاء به مجمع عمومی نایندگان این مبارزه را بیروزی سرانجام آن برساند، نه تنها آغاز دوران به طور کامل شکایت رانندگان را دفع کند.

همین نمونه ساده که اتحادیه کارگران ساده "آس. آی. دی" بخش ایسبرگ زیر قراردادی را امضا کرد که تمامی مبارزه رانندگان بر علیه این قرارداد

است خود جایگاه اتحادیه ها را بیان می کند. بجز چند اتحادیه رادیکال و سیاستی خود را نشان می دانند. تعداد زیادی از مددجای اتوبوس منتظر اتوبوس بودند، پس از با خبر شدن از خبرنگارهای رادیو و تلویزیون نه تنها ابراز ناراحتی نکردند بلکه این را حق رانندگان اتوبوس دانستند. مطبوعات بورژوازی مجبور به سخن گفتند از عظمت نیروی به میدان آمده شدند و وحشت بورژوازی را از نیروی به میدان آمده بیان داشتند. اما با همه اینها سعی داشتند در روزهای اول از اهمیت آن بگاهند و تعداد شرکت کننده در اعتصاب را فقط ۵۰ هزار نفر ذکر کردند. اما بعداً مجبور شدن اعلام کنند که منظور آنها تنها کسانی بودند که شامل جریمه شدند. بورژوازی دانمارک بر خود لرزید. نیروی همیستگی اتحاد صدها هزار انسان کارگر به فلسفه رقابت و فردیت بورژوازی تاخت. یک بزرگ نمی توانند این را در چگونه ۲۵۰ هزار نفر می توانند نه تنها از یک روز دستمزد خود بگذرند بلکه هر کدام از ۳۵۰ تا ۵۰۰ کرون جریمه را هم تقبل کنند. احزاب دست راستی و اتحادیه کارفرمای حمایت کامل خود را از شرکت "ری بوس" اعلام داشتند.

همیستگی کارگری گسترش می یابد

از زمان اولین کیته های همیستگی تاکنون، همیستگی کارگری همچنان گسترد و گستردۀ تر می شود. به جزء تامین مخارج ۸۲ رانندگان اعتصابی و خانواده شان، تامین مخارج دفتر، تلفن، فاکس، مخارج سفر و تبلیغات کیته های همیستگی رقمی بسیار بالاست. همه اینها با نیروی همیستگی کارگری تامین می شود. نایندگان رانندگان با سفر به نقاط مختلف با نایندگان کارگران در مراکز کار و با دفاتر اتحادیه های همیستگی میبرند و ازین طریق حمایت میبرند. زیادی را جلب کردند. در اوائل ماه آوریل نایندگان اعتصابیون به مدت ۴ روز به اسلو، یا یخت خود رفاقتی داشتند تا اوضاع را برای رفاقتیان شرح دهند. و کیته همیستگی در اختیار کمک مالی در اختیار رانندگان شکل گرفت که تاکنون ری بوس" بوده است رهبران اتحادیه رانندگان اعتصابی قرار داده است. اتحادیه ترانسپورت اسلو از تامین کنندگان اصلی این کمک مالی است. اتحادیه های چپ و رادیکال نیز در دانمارک با کمکهای مالی بسیار زیادی را جلب کردند. در اوائل ماه آوریل نایندگان اعتصابیون به مدت ۴ روز به اسلو، یا یخت خود رفاقتی داشتند تا اوضاع را برای رفاقتیان شرح دهند. و کیته همیستگی در اختیار کمک مالی در اختیار رانندگان کارگران کمک مالی در اختیار رانندگان اعتصابی قرار داده است. اتحادیه ترانسپورت اسلو از تامین کنندگان اصلی این کمک مالی است. اتحادیه های چپ و رادیکال نیز در دانمارک با کمکهای مالی بسیار زیادی را جلب کردند. در اوائل ماه آوریل نایندگان اعتصابیون را تاکنون یاری دادند و پس از آوریل این همیستگی گسترش پیش میگیرد. آخر اگر اتحادیه ای از یک اتحادیه های همیستگی با رانندگان

کارگری موجود می‌توانند و حق دارند که نمایندگانشان را به شوراهای شهر بفرستند و از طریق کمیته نمایندگان شوراهای شهر به سیستم شورائی وصل شوند.

عکس العمل تشکل بیکاران. (جناح انسانی اتحادیه بیکاران) به فعالیت برای تشکیل شوراهای چه بوده است؟ بعلاوه مسئله اتحاد این دو تشکل به کجا انجامیده است؟

وقتی از جانب حزب ما مسئله شوراهای بپریابی مجدد آن در سطح جنبش کارگری و شود ای مطرح شد، اکثریت رهبران و فعالین جنبش کارگری از آن استقبال کردند و کل جنبش کارگری در کردستان به مرحله نوینی پا گذاشت. در این میان کل تشکلهای کارگری موجود (از جمله تشکل بیکاران) بسوی یک تغییر در اولویت‌ها و جهت گیری‌های سیاسی و مبارزاتی شان به پیش رفتند. اما تا آنجا که به خود تشکل بیکاران بر می‌گردد برای اولین بار در سطح رهبری این تشکل دو از خروج عده ای از رهبران اصلی این تشکل و پیوستن آنها به حرکت شورایی و مشارکت در کمیته‌های بر پایی شوراهای انجامیده است و بخش دیگر به سیاست قبلی خود ادامه می‌دهد. در کل برخورد جنایتی از تشکل بیکاران به حرکت جدید بپریابی شوراهای متکی بر یک ارزیابی غلط از کل اوضاع سیاسی و موقعیت جنبش کارگری در کردستان بود. این عده به این بهانه که گروی توانز قوا برای ایجاد شوراهای نامساعد است، دوره دوره انقلابی نیست تا شوراهای مطرح شوند، احزاب ناسیونالیست کرد برای شوراهای حساس هستند و نئی خواهند که ایجاد شوند، عکس العمل کامل‌تر خوب و غیر اصولی از خود نشان دادند که در مضمون عبارت است مخالفت با حرکت نوین کارگری که بسوی تشکیل شوراهای روی آورده است.

امروز اینها چه بخواهند و چه نخواهند دریک موقعيت مخالفت و مقاومت در مقابل کل جنبش کارگری قرار گرفته اند که به زیان اتحاد و همبستگی کارگران تمام می‌شود. بخصوص در شرایطی که بحران ناسیونالیسم کرد و رسانی احزاب ناسیونالیست فرجه سیاسی بسیار مساعدی برای کارگران کردستان ایجاد کرد.

اما در جواب به بخش دوم سوالاتان باید بگوییم که علاوه بر تلاشهای مستمر حزب ما و رفقاء اتحادیه بیکاران متسافنه مسئله اتحاد مجدد این دو بخش تاکنون به نتیجه مشتبه نرسیده است. بخصوص که تشکل بیکاران همیشه با بهانه گیری و مطرح کردن شرط و شروط در این زمینه عمل اتحاد مجدد این دو بخش را به تعویق انداخته است. آنها امروز به مواضع کامل سکتاریستی و برخورد تفرقه اندازی با کل اتحاد کارگری در غلطیده اند بطوریکه نئی توانند در جهت مصالح طبقه کارگر در این دوره حساس سیاسی کردستان قدم مشتبه بردارند.

خسرو سایه از رهبران جنبش شورایی کردستان عراق و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق:

جنبس شورایی ابزار توده‌های وسیع مردم برای سازمان یافتن و بدست گرفتن سرنوشت جامعه کردستان است

خسرو سایه از رهبران جنبش شورایی ماه مارس سال ۹۱ در کردستان عراق و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق است. دریاره جنبش شورایی اخیر در کردستان عراق، رضا مقدم با خسرو سایه مصاحبه ای انجام داده است که در زیر می‌خوانید.

محل کار از پائین بکار گرفته شود. اما تا آنجا که به معنی از بین رفتن این تشكلهاست. اگر نه رابطه شوراهایی خود است تشکیل شود و این گردد میتوان الگوهای گوناگون و تجزیه های مختلف در دستور کار باشد. برای مثال اگر در یک محل کار تشکل کارگری موجود بناهای نفوذ و توانش کارگران را در مجمع عمومی کارگران و یا هر حرکت اعتراضی دیگر متحد و آماده ساخته، این تشکل می‌تواند عملی بعنوان شورای پایه دست بکار کند و نمایندگان خود را هم برای ارتباط گیری باشوراهای محلات کارگری معرفی کند. بعلاوه می‌توان از اشکال دیگر هم استفاده کرد. بطور مثال تشکل های کارگری موجود میتوانند با دیگر رهبران جنبش کارگری یک ترکیب مشترک از نمایندگان در محل کار معین ایجاد کند و برای وصل کردن کارگران این محل به مراکز دیگر این تلاش کنند. ماخواهان از بین رفتن تشکلهای موجود در محل کار در این دوره نیستیم و در عین حال این رهبران عملی جنبش کارگری در سطح محل هستند که شوراهای در این دوره به نظر من تشکیل شوراهای در محل کار و زندگی کارگران، یعنی این نیست که تشکلهای دیگر کارگری فعلی موجود خود را از سطح کلی فراتر برویم و در هر مرحله از کارمان چشمکش خود را به شوراهای این جنبش داشته باشیم. در این باره به نظر من شرایط میلیتاریزه زندگی روزمره مردم را نامن کرده است. اوضاع اقتصادی هر روز و خیم تر میشود و فقر و فلاحت شیرازه کل جامعه مدنی به بازترین شرایط میلیتاریزه زندگی روزمره مردم را تاکنون کرده است. اوضاع اقتصادی هر روز و خود یک دلیل بارز شرایط میلیتاریزه زندگی روزمره مردم را نمی‌خواهد و های مردم این مسائل را بارز می‌نمایند. هدف اولیه این کمیته تشکیل شوراهای در محل کار و زندگی کارگران است. در مجموع فعالیت این کمیته در کدام شهرها جریان دارد و تا کجا پیش رفته است؟

آن در میان مردم کردستان از هر روز زیادتر شده است و خود یک دلیل بارز اقدامات مهمی برای بپریابی شوراهای پیش برده است. از جمله ایده شورایی و خواست و اهداف این جنبش در میان مردم کردستان وسیعاً تبلیغ و ترویج شده است. کمیته های مختلف در تمام شهرها و شهرکهای کردستان ایجاد شده است. نظری ایپل، سلیمانیه، راینه، دریندخان، کلار، کوبه، پیره مگردن، جلیجه تازه این کمیته ها در اکثر محل های کار و زندگی کارگران و زحمتکشان بیانیه های گوناگونی منتشر می‌کنند که مسائل روزمره این حرکت را منعکس می‌کند.

این چهارچوب و شرایط کل بپریابی شورایی کارگران کارخانه پوشک سلیمانیه مجدد جنبش شورایی امروز در کردستان است که برای اولین بار می‌خواهد از بستر جنبش عمومی توده های زحمتکش اولین مطالبات مسکن و دستگیری در محل زرگت برای انتخاب نمایندگان خودشان اخیراً فعلی ایپل و سلیمانیه مساقط کار و زندگی می‌باشد. اهداف این جنبش در اوضاع فعلی جنبش انتراضی مردم کردستان ریشه دارد که در حول محور «نان» و «آسایش» برگزات خود را به اشکال گوناگون آشکار کرده است. بعلاوه هم اوضاع برای حرکت اینها در مراسم اول ماه مه شهر ایپل بسیار از ۲۰ هزار نفر در آن حضور داشتند. بعلاوه یکی از اینها در مراسم اول ماه مه شهر ایپل که بیش از ۲۰ هزار نفر در آن حضور داشتند سخنرانی کرد. در مجموع فعالیت های آنها پیش شرطهای مشبی است برای به پیش بردن حرکت شورایی و تاسیس شوراهای در شهرهای کردستان که طی چند ماه اخیر به پیش برده شده است.

جنبس شورایی فعلی بر مبنای کدام زمینه ها و در چه بسترهای شکل گرفته، اهداف و مطالبات این جنبش کدام است؟

جماعه امروز کردستان به یک قهقهه اقتصادی و یک وضعیت بلا تکلیف کرد و کل جنبش ناسیونالیستی از طریق بیدان کشیدن توده های مردم بعنوان نیری اصلی و دخالتگر در عرصه نیری امریکا و غرب به بن بست رسیده است و این کل استراتژی ناسیونالیزم سیاسی امروز کردستان و خاتمه دادن به کل اوضاع بلا تکلیف اقتصادی و سیاسی عراق و منطقه با بن بست روپرتو ساخته است. اینها آینده سیاسی کردستان و سرنوشت مردم را ناعلوم ساخته اند کارگران را نمایندگی می‌کنند وجود این اندازی حرکت شورایی و ایجاد شوراهای برای ما بدین معنی است که تشکلهای

خواستگان شریه کارگر امروز از مسائل اساسی جنبش کارگری کردستان عراق کاملاً مطلع هستند. کارگر امروز در باره جنبش شورایی مارس ۹۱ در کردستان عراق مطلب بسیاری به چاپ رسانده است. با بسیاری از فعالین این جنبش منجمله خود شما مصاحبه های داشته است. بعلاوه، پس از انحلال شوراهای نیز مسائل جنبش کارگری کردستان عراق را منعکس کرده است. از جمله تشکیل اتحادیه بیکاران، برای اتحاد مجدد این دو اتحادیه بعمل آمد است و تشکیل فدراسیون تشکلهای کارگری کاردستان عراق این بیانیه تکمیل اتحادیه بیکاران، اخلاق این اتحادیه بیکاران، برای اتحاد مجدد این دو اتحادیه بعمل آمد است و تشکیل فدراسیون

«کمیته بپریابی شوراهای» در کردستان عراق به چاپ رسید. بنا به این بیانیه، هدف اولیه این کمیته تشکیل شوراهای در محل کار و زندگی کارگران است. در روز گسترش می‌یابد. در مجموع شیرازه کل جامعه مدنی به بازترین شکل از هم پاشیده است. امروز رسانی ناسیونالیسم کرد و گرستگی را آن در میان مردم کردستان از هر روز زیادتر شده است و خود یک دلیل بارز اقدامات مهمی برای بپریابی شوراهای پیش برده است. از جمله ایده شورایی و خواست و اهداف این جنبش در میان مردم کردستان وسیعاً تبلیغ و ترویج شده است. کمیته های مختلف در تمام شهرها و شهرکهای کردستان ایجاد شده است. نظری ایپل، سلیمانیه، راینه، دریندخان، کلار، کوبه، پیره مگردن، جلیجه تازه این کمیته ها در اکثر محل های کار و زندگی کارگران و زحمتکشان بیانیه های گوناگونی منتشر می‌کنند که مسائل روزمره این حرکت را منعکس می‌کند.

این چهارچوب و شرایط کل بپریابی شورایی کارگران کارخانه پوشک سلیمانیه مجدد جنبش شورایی امروز در کردستان است که برای اولین بار می‌خواهد از بستر جنبش عمومی توده های زحمتکش مایه بگزید و بعنوان یک جنبش سیاسی مستقل پا بهیدان بگذرد. مطالبات و اهداف این جنبش در اوضاع فعلی جنبش انتراضی مردم کردستان ریشه دارد که در حول محور «نان» و «آسایش» برگزات خود را به اشکال گوناگون آشکار کرده است. بعلاوه هم اوضاع برای حرکت اینها در مراسم اول ماه مه شهر ایپل بسیار از ۲۰ هزار نفر در آن حضور داشتند. بعلاوه یکی از اینها در مراسم اول ماه مه شهر ایپل که بیش از ۲۰ هزار نفر در آن حضور داشتند سخنرانی کرد. در مجموع فعالیت های آنها پیش شرطهای مشبی است برای به پیش بردن حرکت شورایی و تاسیس شوراهای در شهرهای کردستان که طی چند ماه اخیر به پیش برده شده است.

جنبس شورایی فعلی بر مبنای کدام زمینه ها و در چه بسترهای شکل گرفته، اهداف و مطالبات این جنبش کدام است؟

جماعه امروز کردستان به یک قهقهه اقتصادی و یک وضعیت بلا تکلیف کرد و کل جنبش ناسیونالیستی از طریق بیدان کشیدن توده های مردم بعنوان نیری اصلی و دخالتگر در عرصه نیری امریکا و غرب به بن بست رسیده است و این کل استراتژی ناسیونالیزم سیاسی امروز کردستان و خاتمه دادن به کل اوضاع بلا تکلیف اقتصادی و سیاسی عراق و منطقه با بن بست روپرتو ساخته است. اینها آینده سیاسی کردستان و سرنوشت مردم را ناعلوم ساخته اند کارگران را نمایندگی می‌کنند وجود این اندازی حرکت شورایی و ایجاد شوراهای برای ما بدین معنی است که تشکلهای

بعلاوه فدراسیون برای تثبیت آزادیهای سیاسی فعالیت کرده است. و همچنین با شرکت در هیئت آشنا و برادری "گستاخی" که به منظور پایان جنگ دو حزب حاکم تشکیل شده بود — مترجم) ناسیونالیستها و احزاب مذهبی و کارهای غیرانسانی و مستبدانه آنها محکوم کرده است.

در پایان لازم است تا به پلاتفرم فدراسیون اشاره کنم.

— مبارزه برای افزایش دستمزد بر اساس خانواده ای ۶ نفری

— مبارزه برای بیمه ییمه کاری برای بیکاران کردستان بر بنای دستمزد کارگر شاغل، مبارزه برای برقاری آزادیهای سیاسی، آزادی اعتضاد، تشکل و نظایر آن، مبارزه علیه محاصره اقتصادی — مبارزه برای تقسیم و توزیع مواد غذایی توسط نایندگان کارگران

نظر شما در رابطه با متحد شدن اتحادیه بیکاران و تشکل بیکاران چیست؟

جدایی در اتحادیه بیکاران در نتیجه کشش واقعی خود بین جنبش بیکاران کردستان نبود بلکه از کمبود و بی تحریکی و ضعف جنبش کارگری سروچشم می گرفت. شعارها، برنامه و اعتراضات این دو اتحادیه علیه بیکاری یکی است. شعار هر دو تشکل کار یا بیمه بیکاری است. یعنی دو تشکل یک منفعت طبقاتی مشترک دارند. هر دو بیکاران را برای تحمیل مطالباتشان مشتمل می کنند و به همین خاطر هیچ دلیلی قائل کنندگی برای جاذبه آنها وجود ندارد. لازم است تا هر چه زودتر رهبران این دو تشکل بدون هیچ قید و شرطی دوباره این دو تشکل را متعدد کنند. شکی نیست که هر چه زودتر این امر صورت بگیرد به نفع مبارزه بیکاران خواهد بود. *

ثالا فرج عضو کمیته اجرایی "فدراسیون اتحادیه های کارگری کردستان": هر دو تشکل بیکاران کردستان یک منفعت طبقاتی مشترک دارند و باید زودتر متعدد شوند

ثالا فرج عضو کمیته اجرایی "فدراسیون اتحادیه های کارگری کردستان" عراق و سردبیر نشریه این تشکل بنام "فدراسیون" است. اسد گلچینی درباره چگونگی تشکیل فدراسیون، فعالیتهای تاکنونی آن و جدایی در اتحادیه بیکاران کردستان عراق با ثالا فرج گفتگویی داشته است که بخشایی از آنرا می خوانید. این گفتگو توسط اسد نوینیان از کردی به فارسی ترجمه شده است.

نیز ابرازی در خدمت تبلیغ برای سراسری کردن شعار و مطالبات کارگری، تشکیل چندین کمیته در محلات و کارگاهها و به گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری در کردستان بوده است.

بعلاوه نقش فدراسیون در دفاع از مزد کارگر و زحمتکش کردستان و دفاع از حرکات و اعتراضات آنها چشمگیر بوده است. از آن جمله مقابله با یورش استاندار سليمانیه (سالار عزیز) علیه بود که فدراسیون توانست در به سرانجام زمانده آنها موقتی داشته باشد.

فدراسیون کوشیده است تا نماینده منافع کارگران بعنوان یک طبقه مستقل در مقابل بورژوازی باشد. این هدف را در ساکنان خانه های مصادره ای (که در این اعماق کارگران تبلیغ و ترویج نماید) و به این اعتراض رهبر کارگری، بکر علی بدست احزاب ناسیونالیست حاکم اعدام گردید — مترجم) بود. چگونگی مقابله فدراسیون و عملکرد آن علیه حکومت قابل انکار نیست. حتی رهبران حکومت نیز توانستند آنرا انکار کنند و از وسائل ارتباط جمعی خود فشار این هر چند تاکنون و آنطور که باید توانسته است پایگاه خود را در میان محله های فدراسیون و عملکرد آن ناشی از بی تحریکی ما در عرصه مشتمل کردن کارگران بوده است اما مرتب با رهبران و فعالیت جنبش کارگری پیوند و رابطه داشته است و همین رهبران بوده اند که تشکلهای واقعی کارگری را هر جا که امکان آن بوده، ایجاد کرده اند. از آن جمله ایجاد تشکل کارگاه نساجی هولیر تشکل زنان، جوانان و دانش آموزان را به و پیوند داشته و تاثیرات زیادی بر این تشکلها داشته است. فدراسیون همچنین فدراسیون برای تثبیت مجتمع عمومی در میان کارگران و تبدیل آن به سنتی عمومی در محله های کار فعالیت نیز اعماق کارگران تبلیغ کرده.

فعالیتهای فدراسیون از زمان ایجاد آن تاکنون چه بوده است؟ و فدراسیون چه تاثیراتی در جنبش اعتراضی کارگری داشته است؟

فعالیت فدراسیون با شرکت در مراسم ۸ مارس، روز جهانی زن، و با یاد جانباختگان جنبش شورایی سال ۱۹۹۱ و کارگان اشتغالی و رهبری تشكیلات سراسری شروع شد. بعد از آن بکار اندختن همچنانها و فعالیت اعضای فدراسیون ۵ نایندگان برای تشکیل فدراسیون انتخاب کردند. در جلسه ای با شرکت انتخاب کارگران اشتغالی در ۱۹۹۴ برگزاری با شکوه اول ما مه سال برای پیش از پیش با اختلال مواجه شد. تولیدن فرآیند کارگران اشتغالی خواهد شد. میران یکی از پالاشگاهیان اصلی سانپولو تو تهدید کرد که تمام کارگران اشتغالی را اخراج خواهد کرد. دیپرکل تشكیلات سراسری "سی یوتی" گفت: "ما زمانی بر سر کار برخواهیم گشت که دولت با خواستهای ما موافقت کند". با آنکه دادگاه کار بزرگ انتصاف کارگران را غیر قانونی خواند، کارگران نفت روز دوم ماه اوت ۱۹۹۴ می توانند یک هفته بعد از حمله ارتش به پالاشگاهها به سر کار خود باز گشتهند. *

اعتصابات وسیع در بزرگ

بقیه از صفحه ۱۲

جنش شورایی ابزار توده های وسیع مردم ...

همه بیاد داریم که در جریان جنبش شورایی سال ۹۱ به درجه ای که ما کارگران و زحمتکشان کردستان مسلح شدیم و آمادگی تقابل با احزاب ناسیونالیست را داشتیم توانستیم سیاستها و اقدامات ضد کارگری و ضد مردمی آنها را به بن بست بکشانیم. اما وقتی که ما امکان مسلح شدن را توانستیم حفظ کنیم آنها توانستند به شوراهاییمان حمله کنند. علاوه بر این ما در این دوره اخیر دیدیم که حرکت اعتراضی و حق طلبانه بخشی از مردم شهر سليمانیه برای جلوگیری از تخریب خانه هایشان از جانب سالار عزیز و اوباشان مسلح وی با گلوله جواب گرفت و بکر علی از رهبران این حرکت اعتراضی را به وحشیانه ترین شیوه بقتل رساندند. در جریان بربنا کردن مجتمع عمومی مردم محله زرگته و شهر سليمانیه هم ما شاهد حمله و دستگیری بیش از ۳۰ نفر از فعالین شورایی بودیم. اینها همه نشان می دهند که مسلح شدن کارگران کردستان یک شرط حیاتی برای فایق آمن آنها بر توطنه و زورگیری احزاب و جریانات رنگارنگ بورژوازی است.

روشن است که ما می خواهیم جنبش شورایی را از نو بر پا کنیم. پس باید در اولین گام چه از طرف فعالین جنبش کارگری و شورایی، چه از طرف حزب ما برای حل این مسئله اقدامات عملی و عاجل در دستور قرار گیرد. *

در چند ساله اخیر روز ۱۸ مارس که سالروز جنبش شورایی د همچنین مراجون پاریس است د شهرهای کردستان مراجی بربنا می شود. در ۱۸ مارس امسال اتحادیه میهنی با حمله به دولت است گفت که اشغال پالاشگاه ها تغییری در وضعیت ایجاد نخواهد کرد. اتحادیه تهدید کرد که کارگران اسکلت سازی را بیش به اعتراض خواهد کشاند و تولیدن فرآیند کارگران اشتغالی خواهد شد. میران یکی از پالاشگاهیان اصلی سانپولو تو تهدید کرد که تمام کارگران اشتغالی را اخراج خواهد کرد. بنا به گزارشات کارگران نفت روز دوم ماه اوت ۱۹۹۴ می توانند یک هفته بعد از حمله ارتش به پالاشگاهها به سر کار خود باز گشتهند. *

سالانه ۹۰۰ معدنچی در آفریقای جنوبی کشته می شوند

بقیه از صفحه ۱۶

قریبانیان شد. کنگره ملی آفریقا نیز در موافقت با اتحادیه گفت تیاز میرم وجود دارد که کمیسیون مستقل این معنی دارد. آنرا کمیسیون رکن و کمیسیون به ته جاه که ۴۵ متر عمق داشت سقوط کردند و معدنچیان مجاهله شدند. کنفردانیون اتحادیه های آفریقای جنوبی خواستار برسی امنیت معدن و این روزداد توسط یک کمیسیون مستقل شد. رئیس اتحادیه ای روزگاران معدن افهار کرد که این روزداد که این روزگاران معدن افهار داشت در میان روزگاران معدن افهار کشته شده بود. این روزگاران معدن افهار توجه کردند این سانحه اتفاق نمی افتاد. او خواستار پرداخت غرامت به بازماندگان

فدراسیون کارگران در کردستان چگونه تشکیل شد؟

فدراسیون بر متن نارضایتی کارگران از اوضاع جاری و حول مطالبات آنها، در ادامه جنبش شورانی ماههای مارس ۱۹۹۱ شکل شد. این فدراسیون با پیشنهاد تشكیلهای کمونیستی آن زمان (مارس ۱۹۹۱) و رهبران جنبش کارگری و چند تشكیل کارگری از محلهای کارگری مختلف تشکیل شد. این تشكیلهای توده ای کارگری حرکات پیشزیوی از خود نشان دادند. بخصوص به هنگام اعتراضات کارگری برای تثبیت و قبولاندن خواستهای فوری و جاری تلاش سپاهیاری کردند. مبارزه و جنبش بیکاران کردستان در "اتحادیه بیکاران" شکل گرفت. مبارزات و اعتراضات کارگران بیکاران سیمان سلیمانیه در شهر هولی (اریل) نیز در یک جلسه مجمع عمومی با شرکت نایندگان اتحادیه بیکاران، اتحادیه کارگران سلیمانیه (پارکندگی این پروژه های خصوصی، گروه کارگری بیکاران تقویت نمایندگان کارگران مواد غذایی، و چندین مطالبات دیگر. پارکندگی این اعتراضات خیلی موقع جنبش کارگری را دچار عقب نشینی و ضربات بزرگی کرد. بده بود. به همین دلیل توسط حزب کمونیست کارگری عراق و رهبران و پیشروان تشكیلهای کارگری مستله تشکیل فدراسیون پیشنهاد شد. درک ضرورت مادی و عینی سراسری کردن مطالبات و اعتراضات کارگری و مشکل کردن کارگران در یک تشكیل از طرف رهبران فدراسیون مخفوظ ضرورت فوری ایجاد میگردند. درک ضرورت فدراسیون را پیدا کشید. تشكیلهای کارگری بنایه اراده خودشان شکنندگان در مجامع عمومی کارگری در محلهای کارگران مخفوظ ضرورت فوری ایجاد فدراسیون را پیدا کشید. تشكیلهای کارگری بنایه اراده خودشان شکنندگان در مجامع عمومی محلهای کار دولتی و خصوصی هر یک تواناینده برای انتخاب کارگران اشتغالی در ۱۹۹۴ شروع شد. بعد از آن بکار اندختن همچنانها و فعالیت اعضای فدراسیون برگزاری با شکوه اول ما مه سال برای انتخاب کردند. در جلسه ای با شرکت انتخاب کارگران نایندگان اتحادیه بیکاران، اتحادیه کارگران سلیمانیه کارگران اشتغالی خصوصی، اتحادیه

یورش پلیس ضد شورش به کارگران اعتراضی هیوندا

بقیه از صفحه اول

همزمان با اعتراض کارگران فاز ۴۸ هزار کارگر نفت نیز از کار اندختن ۹ تا از ۱۰ پالاشگاه بزرگ دست به اعتراض زدند. کارگران اعتراضی و رهبری تشكیلات سراسری شیوه ای تهدید کرد که در صورت مخالفت دولت با خواستهای شبكه راه آمن کشور؛ شبکه مخابرات و نیز بخشایی اجتماعی را فلیخ خواهند کرد. دیپرکل انتصاف کارگران چنانیه که زمانی بر سر کار برخواهیم گشت که دولت با خواستهای ما موافقت کند. با آنکه دادگاه کار بزرگ انتصاف کارگران را غیر قانونی خواند، کارگران نفت روز دوم ماه اوت ۱۹۹۴ می توانند یک هفته بعد از حمله ارتش به پالاشگاهها به سر کار خود باز گشتهند. *

اعتصاب خود ادامه دادند و در چهارمین هفته اعتراض کارگران نفت، ارتش به دستور رئیس جمهور چهار پالاشگاه را

گیری از جمله نامحدود بودن دوره نمایندگان دولتی، دادن حق "بستن کارخانه" به کارفرماها در موارد اعتراض برداشت.

در جریان اعتراض کارگران که توسط آس. آسی سی آ. دبلیو. یو سازماندهی شده بود و در اعتراض به بوتیک زنجیره ای "گیم" در ۱۵ اکتبر صورت گرفت، دهها کارگر دستگیر شدند.

۲ هزار عضو یو او. پی سی آر. یو در منطقه "ایسترن کیپ" در اعتراض به اخراج ۸۸ عضو اتحادیه بدليل فعالیت های اتحادیه ای اول اکتبر دست به اعتراض زدند. رهبری پلیس نه تنها از برسیت شناختن یو اوپی سی آریو خودداری کرد بلکه اقدام به ایجاد یک سازمان دیگر کرد. اما پس از کشمکش های زیاد بالاخره در اول ژانویه ۹۶ اتحادیه به ثبت رسید.

۷ ژانویه ۹۶، پلیس در مقابله با اعتضایون عضو اتحادیه مواد غذایی (آ. آدبیلو) در یک کارخانه از گلوله های پلاستیکی استفاده کرد. کارخانه مذکور متعلق به صنعت "آمالگامات" بیورج که برای کمپانی کوکاکولا کار می کند، بود.

در همین ماه پلیس بار دیگر برای پراکنده ساختن یک گروه از کارگران معدن پلاتونیوم "ایمپلا" که در اعتراض به اخراج دو نماینده دست به اعتراض زده بودند، از گلوله های پلاستیکی و گاز اشک آور استفاده کرد.

۱۷ تن از اعضای "آنیوام" که در

جریان اختلاف بر سر دستمزد با مدیریت معدن فسفر "فالابوروا فوسکور" شرکت داشتند، نیمه شب ۲۶ ژانویه ۹۶ دستگیر شدند.

سه بمب در دفاتر یو او. آس. آر. یو در غرب ژوهانسبورگ و منطقه آزاد "اورنج" که سنتا گرایشات راست بر آنها حاکمند در ژانویه ۹۶ منفجر شد.

در فوریه ۹۶ اتحادیه کارفرماها "ترانسول آگریکولتural" اعلام کرد که از بازدید مشاورین انتخاباتی و آژنتورهای سیاسی از روستاهای جلوگیری خواهد کرد.

در جریان حمله پلیس مسلح به گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی به ۱۸۰ کارگر اعتضایی در معدن طلای "پریمروس" واقع در شرق ژوهانسبورگ ۲۱ فوریه ۹۶، ۲۲ تن از کارگران زخمی شدند.

اعتصاب سه هفته ای در بوفتوسانا در اویل ماه مارس ۹۶ منجر به استیصال رئیم در این بانتوستان شد.

اعتصاب کارگران شاغل در بخش های دولتی تولید را خوباند و مقامات را در بانتوستان به بن بست کشاند. اعتضایون خواهان پرداخت مزایای بازنشستگی و عضویت مجدد بوفتوسانا در آفریقای جنوبی بودند. در ۷ مارس در مقابله با اعتضایون از گاز اشک آور استفاده شد و کارگران اعتضایی بیمارستان دستگیر شدند.

۱۳ مارس اعلام شد که بوفتوسانا زیر نظر شورای دوره انتقالی قرار گرفته است.

آ. و دیپر محلی اتحادیه کارگران شاغل در بخش مواد غذایی "آ. آسی دبلیو. یو" نیز دستگیر شدند.

در رابطه با اعتضای یک ماهه ای در ماه ژوئن که در آن ۱۰ هزار کارگر شرکت داشتند، ۵۷ تن از اعضای آس. آسی سی آدبیلو یو دستگیر شدند.

در همین ماه ۴۰ تن از اعضای اتحادیه معلمان آس آسی سی یو در کیپ تاون به اتهام "ازدحام غیر قانونی" دستگیر شدند.

بانتوستان بوفتوسانا از بررسیت شناختن آن یوام همانند دیگر اتحادیه های موجود در آفریقای جنوبی امتناع کرد.

کارگران شهر توریستی "سان سیتی" علیه تبعیض نژادی و سیاست نژادپرستانه در امر استخدام در اول

ژوئیه دست به اعتضای زدند.

"جوسیا سللو ماکهودا" سخنگوی آن یوام اس آ. و فعال جنبش صلح در

محل سکوتیش، ۲۳ ژوئیه توسط یک فرد ناشناس در "بوکس بورگ" به ضرب گلوله کشته شد.

در ماه ژوئیه تعداد زیادی از منازل اعضا سی اوس آ. تی یو را پس از برگزاری جلسه ای که توسط اتحادیه سراسری "سی اوس تی یو" در

ماندینی" واقع در شمال تفال سازمان اعضا سی اوس آ. تی یو را پس از برگزاری لفظی در معدن آی

بازرس سفید به یک کارگر سیاه معدن در جریان درگیری لفظی در معدن آی

آرپی ام" واقع در شرق ژوهانسبورگ در تاریخ ۲۹ مارس دست به اعتضای

یکروزه زدند.

"کالوین توساگو" خبرنگار تلویزیون و عضو اتحادیه رسانه های گروهی آم دبلیو آس آ. ماه آوریل در شهر

داده شده بود، به آتش کشیدند. در مورد دستگیری های احتمالی خبری در

دست نیست.

دیپر منطقه ای آن بای اج آ. دبلیو.

یو در منطقه ایسترن کیپ به مردم اعضا رهبری اتحادیه بدليل شرکت در

یک راهپیمایی مسالمت آمیز ۲۰ اوت در "الیزابت پورت" دستگیر شدند.

در جریان یک دادگاه که ماه اوت تشکیل شد، شرکت سابق دولتی تفتیش به آس اوس آ. ال اعتراف کرد که در

اواسط دهه هشتاد اقداماتی در جهت

به حاشیه راندن فعالیت های اتحادیه ها در کارخانجات وابسته به خود،

بوبیه اتحادیه های "سی دبلیو آی یو"

و آس آسی دبلیو. یو در صنایع

شیمی انجام داده است. شرکت فوق افرادی را با هدف زیر نظر گرفتن

همچین ۵ تن از اعضای اتحادیه

کارگران بخش بهداشت و آموزش، آن

اقدام شیوه تشکیل شرکت های فرمایی بود که بمنظور سازماندهی فعالیت های

در "مانسی" ایجاد شده بودند. استرال

سمع تلفنهای و دفاتر اتحادیه، جاسوسی

در مورد اعضای اتحادیه و استخدام

نماینده بمنظور جاسوسی از دیگر فعالیت

های ضد اتحادیه ای شرکت فوق بوده

است. آس آس اوس اوسی ایجاد شده بود

اعتراف کرد که یکنفر را بعنوان رئیس

بخش جوانان "اینکاتاس" استخدام کرده

بود تا گروه وقیسی را برای تهدید

رهبری اتحادیه تشکیل دهد. آس

آس اوس اوسی در آوریل سال ۹۰ صورت

گرفت، در بیمارستان "گارانکروا" واقع

در سوتو پورت ریزیم داشت.

کارگران بخش بهداشت و آموزش، آن

اعتصاب بهداشت و آموزش، آن

اعتصاب ایسترن کیپ به مردم اعضا

بدليل اینکه بخواهی داشتند

دو تن از اعضای اتحادیه حمل و نقل

تی جی دبلیو. یو در جریان تیراندازی

که در رابطه با اعتضای اسپرینگ

بوق پاترولز در "روده پورت" صورت

گرفت، زخمی شدند.

"نسترن جیما" عضو آنیوام آس آ. توسط

۵ مرد در "دلانگوو" تزدیک آپانگنی

در شمال تفال در اول مارس بضرب

گلوله کشته شد.

پلیس برای مقابله با کارگران اعتضای

عضو اتحادیه شیمی سی دبلیو آی

یو در بانتوستان "گازانکولو" ۹ مارس

پس از دستگیری به دفتر اتحادیه آورده

شد و در آنجا پلیس به تفتیش وی

پرداخت. نماینده دیگری از اتحادیه

ها از جمله دیپرکل آم دبلیو آس

صادر کرد.

چهار راه دستگیر شدند.

سی اوس اوس آ. تی یو در اعتراض به

پیشنهادهای مستتر در بیش نویس قانون

اساسی تهدید به اعتضای عمومی در

تاریخ ۱۵ نوامبر کرد. این پیشنهاد

در زمینه حدود و اختیارات تصمیم

بودند. فعالیت های اتحادیه کارگران شاغل در بخش مواد غذایی "آ. آسی دبلیو. یو" نیز دستگیر شدند.

در رابطه با اعتضای یک ماهه ای در ماه ژوئن که در آن ۱۰ هزار کارگر کند و ۱۱ کارگر اخراج شدند.

۲۲ عضو اتحادیه کارگران شهرداری "ساموو" بدليل اشغال ساختمانهای متعلق به مقامات منطقه "ترانسول" در ژوهانسبورگ در ماه مارس دستگیر شدند.

۲۳ عضو اتحادیه کارگران شهرداری "ترانسول" توان به اتهام "ازدحام غیر قانونی" در یک کار در یک ساختمان واقع در "دیسونویله" امتناع کرده بودند.

۹۲ از کار در یک ساختمان واقع در "دیسونویله" امتناع کرده بودند.

۹۳ از کارگران کشاورزی در سر قراردادهای کار زمینه مذاکره بر سر قراردادهای کار

۹۴ شد و به این گروه حقوقی در

هزار تن از اعضای اتحادیه کارگران کشاورزی همچنان چزو بخششایی از

در جریان درگیری لفظی در معدن آی آرپی ام" واقع در شرق ژوهانسبورگ در تولید با فونکسیون حیاتی محسوب می شود و پنابراین اعتضای در آن منوع است.

۹۴ همچنان بشدت خود باقی بود.

گروههایی که حاضر به شرکت در

انتخابات نبودند و تهدیدات جناح راست

مبینی بر بث تباش کردند اینکه

تا آن زمان نه تحت پوشش قانون کار بودند و نه از حق تشكیل اتحادیه

با همکاری آوریل در اینجا مکاری در

زمینه تضمین اینست برای فعالیت های

اتحادیه ای صورت گرفت، بطوریکه

مسائل سیاسی تا زمان برگزاری انتخابات برقرار کرد. در قانون اساسی آفریقای جنوبی، بیویه در تفال بوجود آورد.

۹۵ در دسامبر اقدام به تشکیل "شورای دوره انتقالی" (تی اسی) شد. این

مسئله تطبیق دادن قانون کار آفریقای جنوبی که بر اساس قانون اساسی موقت پنج ساله تشكیل می شد، موظف بود

با همکاری آوریل، عدالت را در زمینه انتخابات برقرار کرد. در قانون اساسی آفریقای جنوبی حق تشكیل اتحادیه، حق مذاکره بر سر قراردادهای کار و

نیز حق اعتضای برسیت شناخته شده است. سازماندهی های منطقه ای پس از انتخابات قرار است همچنین به اضاحلال بلاتوستانها بیانجامد.

کمیته مشاوره قانون کار ملی در اویل ماه فوریه به موسسه موسونکوتو "رئیس اتحادیه متال" توجه شد. کمیته تغییر

غیرمجاز در ماه می ۹۲ می موظف به حضور در دادگاهی که قرار بود به فوریه تشكیل شود، شد. از آنجا که هیچ مدرکی علیه وی وجود نداشت، بررسی پرونده وی بتعمیق افتاد.

دو تن از اعضای اتحادیه حمل و نقل

</div

بورس کارلیتسکی مصاحبه با

بقیه از صفحه ۸

این است که خود انتقال تقاضی است. نمی توان از نقطه آ " به نقطه ب" رفت بدون اینکه چیزی در اینین باشد. و برنامه ما بعنوان انتقالی است. ما از آن فراتر داری غیر بازاری که الان داریم قبول خواهد کرد. ولی به آن بعنوان جامعه اینده آل، بعنوان صورتیندی ایده آل آینده برای هر نوع سازمان اجتماعی و اقتصادی ممکن، نمی نگرند. ما به آن بعنوان یک گام، یک فاز در پروسه طولانی انتقال نگاه می کنیم. بنابراین دورنمای عمومی ما یک دورنمای کمونیستی به معنای مارکسیستی آن است؛ نه یک اقتصاد کالاتی بلکه غیر کالاتی کردن جامعه. اما بدون تقاضی میانی نمی توان مستقیم به طرف آن رفت. هدف سوسیالیزه کردن در دل اقتصاد مختلف است، تا جائی که ممکن است. ولی این نه در معنای کمیشی آن، بلکه بین منظور که اقتصاد کار کند. نظر شخصی من در این مباحثات (چونکه در خود حزب کار هم نظرات مختلف وجود دارد، و اختلاف نظر می تواند وجود داشته باشد) این است که بدون درجه زیادی سوسیالیسم، و ملی کردن، کنترل کارگری، برنامه ریزی، و غیره، نخواهیم توانت یک اقتصاد واقعاً بازاری و مختلف داشته باشیم. پس این صرفاً مساله ای مریوط به اصول و ایدئولوژی های ما نیست، بلکه مساله کارآئی اقتصادی است.

ذکر نمی کنید که این مساله سوسیالیسم بازاری نتیجه فشاری است که شرایط جدید روی جویانات سوسیالیست گذاشت؛ اینکه دارند با راست سازش می کنند؟

بله، کاملاً موافقم. ولی نباید آنرا بشکل

قالی زنجیر شده اند تا فرار نکنند.

متاسفانه در چنین موقعیتی بچه ها از ترس کارفرما حاضر به صحبت کردن و شکایت از وضعیت خود نیستند. روز کار این بچه ها بسیار طولانی است. شرایط کار بچه ها چنان است که اغلب سر کار به خود آسیب می رسانند. دستشان می برد، می سوزد، زخمی می شوند. اما به جز این صدمات اساسی جسمی و روحی می بینند. بد پروسه رشدشان صدمات جدی وارد می شود. در چنین محیط کاری که شکل برده داری است زنجیر شدن، کشک و آزار جسمی و تجاوز یک امر عادی به حساب می آید.

این فکر می کنی امکان لغو کار کودکان در کشورهای فقیر وجود دارد؟ بهله. من فکر نمی کنم که کار کودکان تیجه فقر است. من فکر می کنم کار کودکان فقر را بوجود می آورد. وقتی کارفرما این امکان را دارد که در شرایطی که بیکاری سراسر آور بین بزرگسالان وجود دارد، بچه ها را به قیمت بسیار نازل یا گاما مجاناً به کار بکشد فقر در آن کشور وسعت پیدا می کند.

تظاهراتی از جانب دانش آموزان مدارس شهر یوشوینگ در اعتراض به تردگی قرض و کار کودکان و قتل اقبال صورت گرفت. بله. دانش آموزان زیادی از مدارس لیوشوینگ از طریق من در جریان وضعیت کار کودکان بخصوص در پاکستان و وضعیت بچه های قرض قرار گرفته بودند. ما به اشکال مختلف صندوقهای کمک مالی برای حمایت از مدارس "بی‌ال‌الاف" و کمک به آزادی بچه های برد در پاکستان ایجاد کردیم. بچه های زیادی درگیر و فعل این حرکت شدند. آنها تشكیل در همین رابطه در شهر یوشوینگ بوجود آوردن.

تاکنون دو گروه از بچه ها به پاکستان سفر کرده اند و در آنجا از نزدیک شاهد موقعیت بچه ها در محل کار اند. آنها از جمله اقبال را ملاقات کرده بودند. بخش زیادی از فعالیت این بچه ها تلاش و کمک برای گرفتن حقوق بچه ها در کشورهای مختلف و از جمله محو "بردگی کودکان" است. آنها در حرکت اخیر خود به حرکت وسیع تری که در سطح کشور از طرف تشكل دانش آموزی (کپین دانش آموزان) در اعتراض به قتل اقبال و تقاضای رسمی از دولت پاکستان برای رسیدگی به این موضوع از طریق یک دادگاه علیه بوجود آمد، پیوستند. *

نشست بعدی فدراسیون اتحادیه های کارگری استان بریتیش کلمبیا (که در اکتبر سال جاری برگزار می شود)، قطعنامه ای را پیشنهاد کنیم که خواستار حمایت رسمی فدراسیون از اول مه می شود. به این طریق کارگران این استان می توانند نقش رهبری کننده در برگزاری هر چه وسیع تر اول ماه مه در سراسر کانادا تقویت کنیم. اول مه باید در کانادا نیز - همچنان که در سراسر جهان است، به روز تعطیلی عمومی تبدیل شود. اول مه بپرورد باید از طرف اتحادیه ها جدی گرفته شود. من پیشنهاد می کنم (برای شروع) که به

بسیاری از بچه ها را به دار قالی

زنجیر میشوند تا فرار نکنند

بقیه از صفحه ۵

آزاد سازی تمام کودکان "برده قرض" را

محور فعالیت خود قرار داده است.

اقبال مدرسه را نوامبر ۱۹۹۲ شروع

کرد. او بسیار سریع خواندن، نوشتن و

شمارش را فرا گرفت. در کنار آن به

مطالعه و فراگیری "حقوق کودکان

برداخت. او توانایی زیادی در برقراری

رابطه با مردم از کوچک و بزرگ

داشت. سخنران بسیار ماهری بود. او

در واقع یک رهبر بود. نظرات خود را

بصورتی ساده و دلنشیں بیان می کرد.

در بحثهای مختلف شرکت می کرد. او

آزو داشت که وکیل شود تا بتواند

تمام کودکان بزده را آزاد کند و کار

کودکان را ملتفی سازد. او کلاس چهارم

را در این مدت تمام کرده بود و سال

پنجم را همین اواخر شروع کرد.

تاکنون سفرهای زیادی به پاکستان

کرده اید. وضعیت کودکان در

پاکستان چگونه است؟

پاکستان یک جامعه فتووالی (ملوک

الطاویقی) است. موقعیت بچه ها با هم

بسیار متفاوت است. بچه هایی هستند

که از تمام نعمات زندگی برخوردارند و

به مدارسی با امکانات بسیار بالا می

روند. بچه هایی هم هستند که در

شرایط قرون وسطایی زندگی می کنند.

در پاکستان دو سیستم آموزش وجود

دارد یکی مدارس خصوصی و دیگری

مدارس دولتی. امکانات و موقعیت

بچه ها در این سیستم بسیار بالا

متفاوت است. بسیاری از بچه هایی هم

شروع خواهد شد، ولی توسط نوعی

راست ناسیونالیست. آنها مشکلات را

حل خواهند کرد، ولی نکته اینجاست

که چه جوری؟ این فاجعه ای برای ملت

است.

خشونت آمیز هم باشد. بنظر من ما باید

تمام تلاشمان را بکار بگیریم تا از

خشونت جلوگیری کنیم. ولی در عین

حال باید برای خشونت رژیم آساده

باشیم، و استراتژی های مناسب را

شکل دهیم. یکی از ضعف های چب

در سالهای گذشته این بود که آنقدر از

خشونت میهارا سید که نه تنها از

استراتژیهای قهرآمیز برای خود

زیادی داشتند. این بود - بلکه

حتی از اندیشیدن به اینکه چگونه را

با خشونت رژیم مقابله کرد، خود را

کرد. و این کاملاً غلط بود. اوضاع

الا فرق کرد. فکر می کنم گذار پر

اعتناش و سختی باشد. و ممکن است

طولانی بشود. ولی اوضاع آنقدر حساس

است که صد درصد مطمئن تغییر

صورت خواهد گرفت. تغییر خیلی زیباتی

و باب میل ما نخواهد بود، اما رخ

خواهد داد.

نکته آخر اینکه، اگر چب موفق نشود

از امکانی که مثلاً سالهای ۶ - ۹۵

بدست خواهد داد استفاده کند، آنوقت

مسائل حل خواهد شد، ولی توسط نوعی

راست ناسیونالیست. آنها مشکلات را

حل خواهند کرد، ولی نکته اینجاست

که چه جوری؟ این فاجعه ای برای ملت

است.

ولی در حال حاضر، علیرغم قیل و

قالی که میشود، نفوذ زیادی که می

ندارند؟

نه، نه. این بخشا ناشی از هیستری ای

است که رسانه های غیر دمکراتیک،

زیرنو孚سکی راه انداخته اند. در حال

حاضر آنها هیچ شانس قدرت گیری

ندارند. اما اگر اوضاع وخیم شود و

چب هم تواند از شانس هایش در طول

دو سال یا ۱۸ ماه آینده بهره بگیرد،

آنها فرصت خواهند یافت. و این واقعی

ترانیک خواهد بود. و شاید خیلی

*

حقوق کارگری" داشته باشیم که حقوق

همه کارگران کشورهای "فتا" را تضمین

کند. این منشور حقوق کارگری باید

"فتا" می باشد. با تکیه بر همبستگی

کارگری در آمریکای شمالی ما قادر

خواهیم بود که بگوییم: "فتا" آنها

بدون نشای از همین بروز کرد؛ مقاومت خواهد

کرد، و از شیوه های غیر دمکراتیک،

و احتیاط همبستگی از کوته بین

کارگری کرد. بداناین، ما باید این مساله را

مد نظر داشته باشیم. من فکر می کنم که

گذار از یلتسینیسم به نوعی اقتصاد

مخالف و دمکراسی واقعی در رویه

خواهد بود. کاملاً موافقم. ولی نباید آنرا بشکل

به کمین برای تعطیل و رسمی شدن

اول ماه به بعنوان روز کارگر در

کانادا و آمریکا پیویندید

بقبیه از صفحه ۱۶

امروز چه می توان کرد؟

برای کارگران کانادا، رابطه ما، رابطه

ما با کارگران مکزیک از لحاظ

همبستگی بین المللی بسیار مهم و

مقابله می کنیم.

پیش از آنکه به پیشنهاد اصلی در

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol 6, NO 54, June 1995

صفحه ۱۶، سال ششم، شماره ۵۴، تیر ۱۳۷۴

به کمپین برای تعطیل و رسمی شدن اول ماه مه عنوان روز کارگر در کانادا و آمریکا بپیوندید

متن کامل سخنرانی محمد عبدی

در مراسم اول ماه مه در ونکوور، کانادا

های کارگران، بویژه در کشورهای پیشروزه را پس بگیرند. به نظر من این رقابت تحریمی یکی از دلایل تعصیف جنبش کارگری در دهه های اخیر، اول جنبش اتحادیه ای و برآمد جناح راست در دهه ۸۰ است. به اعتقاد من، سرمایه داران و دولتهاشان میکوشند تا با اهرم این رقابت جهانی، یک شرایط کار قرن نوゼدهمی را به کارگران تمام جهان -

از جمله کشورهای پیشروزه، تحریم

کنند. این یک غصب گرد تمام عیار است. این عقب گرد برای ما که قدم به قرن بیست و یکم می گذاریم یک فاجعه است!

ما می توانیم و ناگزیریم که این فاجعه را متوقف کنیم. اگر تولید و رقابت جهانی است، بنابراین مبارزه و همبستگی کارگری نیز جهانی است و باید باشد.

اگر ما می خواهیم دستاوردهایمان را

حفظ کنیم، اگر می خواهیم که شرایط

کار قرن نوゼدهمی را پس برویم، پس

باید مبارزه را در سطح جهانی سازمان

دهیم. ما باید شرایط بهتر کار را نه

فقط برای خودمان بلکه همینطور برای

کارگران بی حقوق در کشورهای دیگر

طلب کنیم. همبستگی جهانی کارگری

امروز بیش از هر وقت دیگر ضروری است.

است. تکیه بر این رقابت، سرمایه داران و دولتهاشان درصدند تا دستاورده

هرگاه از این حرف می زنیم که به شرکتهای بزرگ مالیات بیندید، به ما جواب می دهند که "تفکش را هم نکنید". ما اگر حتی حرف مالیات هم بزنیم آنها تهدید می کنند که سرمایه اشان را به جای دیگری منتقل خواهند کرد و این طبعاً معنی کاهش اشتغال است.

این تهدید موثر است، چرا که ما می دانیم میلیونها کارگر در مکریک، چین، لهستان، ایران و کشورهای دیگر وجود دارند که روزانه فقط چند دلار و یا حتی کمتر درآمد دارند. کارگرانی که تحت اختناق هستند و از حقوق اولیه محرومند.

کارگرانی که آماده اند تا هر شغل ممکنی را قبول کنند. با این نیروی کار ارزان شرکتهای بزرگ می توانند به ما بگویند:

"ساخت! تضایی بیشتر نکنید! اگر می خواهید شغل تان را حفظ کنید، چاک دهتان را بیندید!"

ایران و عراق، نیز با شعارهای ۳۰ ساعت

کار، تعطیلی عمومی اول ماه مه و آزادی

برایری حکومت کارگری در این تظاهرات

شرکت کردند. در پایان تظاهرات در محل

پارک گراندیوی، سخنان را مختلقی از جانب

شورای کارگران شهر، اتحادیه های کارگری،

سازمان سراسری زنان و همچنین محمد

عبدی عضو حزب کمونیست کارگری ایران و

کیتیه همبستگی کارگران ایران و کانادا

ضحبت کرد. متن سخنرانی محمد عبدی که

با عنوان "حوادث فوق مرگ ۱۰۲ کارگر معدن

را در سنتون مقابل می خانید

بقیه در صفحه ۱۵

مرکز خبری کارگر امروز: اول مه در آمریکا و کانادا بعنوان روز کارگر شد. کارگر به رسیت شناخته نمی شود. در استان بریتیش کلمبیا کانادا که تاریخ اتحادیه های کارگری تمایلات چپ تری را نمایندگی کرده است، از جمله بهداشت همزمان با ارسال نامه فوق این گروه گزارشی را در همین زمینه در خبرنامه "ملت لتر" پیشنهاد می کرد. این مقاله در شهر و نکوه (مرکز استان و سومین شهر بزرگ کانادا)، شورای کارگران شهر کوشش کرد تا در همین آشناست. گزارش فوق در بعضی از روزنامه های محلی انعکاس یافت.

بهین دلیل "اجلاس رسانه ها" در آمریکا از این گزارش بعنوان نادیده گرفته شده ترین خبر سال ۱۹۹۴ یاد کرد. بنابراین با سرعتی که آن آی او اوس اج

تکنون در آگاه کردن کارگران داشته است، انتظار نمی رود آخرين کارگر قبل از سال ۲۰۱۵ از موضوع مطلع شود. تا آنکه ممکن است بسیاری از کارگران جان خود را با اقدامات دولت لیبرال کانادا در حمله به خدمات اجتماعی و دستاوردهای کارگران تعیین شده بود. تظاهرات در ساعت ۲ بعد از ظهر با شرکت حدود ۳۰۰ نفر آغاز شد.

اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری

ایران و عراق، نیز با شعارهای ۳۰ ساعت

کار، تعطیلی عمومی اول ماه مه و آزادی

برایری حکومت کارگری در این تظاهرات

شرکت کردند. در پایان تظاهرات در محل

پارک گراندیوی، سخنان را مختلقی از جانب

شورای کارگران شهر، اتحادیه های کارگری،

سازمان سراسری زنان و همچنین محمد

عبدی عضو حزب کمونیست کارگری ایران و

کیتیه همبستگی کارگران ایران و کانادا

ضحبت کرد. همین خود نشان نمیدهد

که آنها تا چه حد به ما نیاز دارند؟

"بدون ما هیچ چیز نمی چرخد"

بیکاری قبل از هر چیز به جوانان

آسیب می رساند و برایشان مشکل

ایجاد می کند. امروزه حتی محلهای

کارآموزی بیشتر از محل های اشتغال

از بین میروند. از نیمیکت مدرسه به

محل کار آموزی و از آنجا به خیل

بیکاران. ما برای تحقق منافع خود و

فریزندامن جوانساز برقراری فوری هفتنه

کار ۳۰ ساعته، از دوشنبه تا جمعه با

دستمزد کامل بعنوان قاعده و به عنوان

حداکثر ساعت کار برای همه کارگران و

کارمندان هستیم.

هیچ سرمایه داری داوطلبانه از سود

خود صرفه نظر نمی کند. بنابراین ما

باید بخاطر مطالبات خود متحده

عرض کنیم و بجنگیم.

فعالیں اتحادیه ای، زنان و مردان،

جوانان و سالخوردگان، همکاران با

ملیت های گوناگون برای طرح وسیع و

به کرسی نشاندن این مطالبات متحد

شود. از مبارزات کارگران سراسر جهان

پشتیبانی کنید.

* این فراخوان در اول ماه مه امسال

در فرانکفورت آلمان توزع شده است.

راز موگبار سازمان بازرسی کارآمریکا، محروم‌ترین خبر سال ۱۹۹۴

سازمان بازرسی کارآمریکا (ان. آی او اس اج) ۱۷۰ هزار کارگر را نسبت به خطربات ناشی از محیط کارشان سازمانی است که بی اطلاع بودند. یک گروه تحقیقی که توسط جنبش "پایبلیک سیتی زن" تشکیل شده است و کارش تحقیق در زمینه بهداشت، از جمله بهداشت میکردن همراه با ارسال نامه فوق این گروه گزارشی در انجام داد و در ۱۹۸۳ با همکاری سازمان بدهشت مقامات مربوطه را مستول مطلع کردند کارگران بیویه در مواردی که اطلاعات فوق در اختیار سازمان بازرسی کارآمریکا اینجا میگیرند، میتوانند این مطالعه کارگران بیویه را مطلع کردند. این دلیل "اجلاس رسانه ها" در آمریکا بیان شده است. این گزارش بعنوان نادیده گرفته شده ترین خبر سال ۱۹۹۴ بود. مطالعه کارگران بیویه در میان این اتفاقات پیشکشی احتمالی پس از آن بخود، خودداری کرد. این دولت مجتبین از تصویب قانونی که مطالعه کارگران میکرد، جلوگیری بعمل آورد. پس از ریگان دولت جرج بوش نیز همین سیاست را دنبال کرد. پس از گذشت ۱۱ سال، در ۱۹۹۴ سازمان بازرسی کار فقط از کارگران داشته است، باید مطالعه می شدند را مطلع ساخت. بدین ترتیب در پایان نیمه اول دهه نود ۲۰ درصد از آنها از خطربات ناشی از کارگران جان خود را دست داده باشد بدون آنکه حتی از دست داده باشند. علت آن با خبر شده باشد.

آفریقای جنوبی

سالانه ۹۰۰ معدنچی جان خود را از دست میدهند

مرکز خبری کارگر امروز: طبق آمار منتشر شده، سالانه حدود ۹۰۰ کارگر در معادن آفریقای جنوبی مستقیماً در اثر سوانح ناشی از کار کشته می شوند. از آنها ۱۰۰ کارگر از کارگران بیویه ای این رقم شامل کارگرانی که بر اثر بیماری های ناشی از محیط کارشان که در اوایل

فراخوان

اگر همه چیز با هم به حساب آورده شود، بر این ارقام همچنین باید مرگ زودرس کارگران بر اثر فرسودگی مستقیماً در اثر سوانح ناشی از کار کشته می شوند. از جمله حادث فوق مرگ ۱۰۲ کارگر معدن را در ۱۱ ماه مه بود. این رویداد زمانی اتفاق بقیه در صفحه ۱۲

غیره جان خود را از دست می دهند نمی

کشند. باید مرگ کارگران ایران و کانادا

ضخته و شدت کار بالا را افزود.

از جمله حادث فوق مرگ ۱۰۲ کارگر معدن

را در سنتون مقابل می خانید

باقیه در صفحه ۱۵

آنها می خواهند از طریق برنامه ریزی

جدید ساعت کار، با تعداد کارگران و

کارمندان کمتر، سود بیشتر بدست

آورند و در عین حال مدعی هستند که

پرداخت دستمزد کامل برای ساعت کار

کاهش یافته امکان پذیر است.

ضرورت کاهش ساعت کار را مذکور است

که ما با کار خود کسب کرده ایم. آنچه

یک کارگر در سال ۱۹۷۰ در ۴۰ ساعت

تولید می کند، اما امروز بعضی از ما

باید تا سر حد از حال رفتن و بی

زمقی کار کنند و بعضی دیگر به

خیابان پرتاب میشنوند. سال ۱۹۹۴

نشان داد که با وجود سود تصادعی،

از بین بردن شغل ها در سطح بین

المللی همچنان ادامه دارد. سرمایه

آدرس کمیته های همبستگی کارگری

کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران
مانهگ کنند: رضا مقدم
آدرس: ICSIW, Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden

کمیته کارگری ایران، آمریکا
مانهگ کنند: علی حافظی
آدرس: P.O. Box 241412
L.A. CA 900024
USA

کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش
مانهگ کنند: مهدی آردو
آدرس: I.A.S. Postfach 570
1151 Wien
Austria

کمیته همبستگی با کارگران